

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



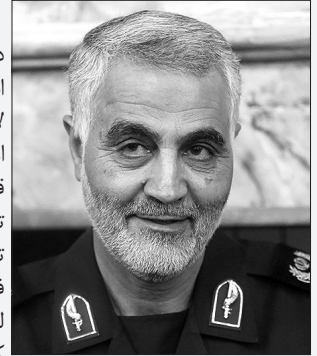
امام جمعه موقت قم:
شخصیت آیت الله
آصفی باید
برای نسل امروز
بازسازی شود

صفحه ۲

سال سی و هفتم ♦ شماره ۵ ♦ شماره مسلسل ۱۵۲۳ ♦ نیمه اول خرداد ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

سردار سلیمانی تبیین کرد:

نقش تعیین کننده حزب الله در منطقه



سردار حاج قاسم سلیمانی ۷ خرداد ۱۳۹۵ در جلسه هم‌اندیشی مجلس دهم که برای اداره بهتر آن تشکیل شد، ضمن تشکر از دکتر لاریجانی به‌خاطر حمایت از بخش دفاعی و امنیت کشور گفت: شرایط ما در منطقه مثل قبل و بعد از عملیات بیت المقدس است که تشابهات مهم سیاسی دارد چنانچه نسبت به تغییراتی که در جنگ صورت گرفت امام (ره) فکر انقلابی را بر جنگ حاکم کرد و با فکر لیبرال به جهت داد و باعث شد ۱۵ هزار کیلومتر مربع از ۲۰ هزار کیلومتر مربع کشور آزاد شود و این در حالی بود که از نیمه سال ۵۹ تا زمان برکناری بنی‌صدر مشکلات زیادی داشتیم و حتی آمیدی به پیروزی عملیات بیت المقدس با توجه به شکست‌هایی که پیش از آن متحمل شده بودیم، نبود.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر همین اساس تصریح کرد: با تغییرات جدید مجموعه جوانی روی کار آمد که کل کانون جنگ را تحت تأثیر قرار داد و منجر به تأثیرات بسزایی روی بسیج، ارتش و طراحی‌های جنگ داشت در نهایت پیروزی بیت المقدس به این خاطر بود که دشمن جمع بندی صحیحی از توانمندی جمهوری اسلامی نداشت که بعد از این عملیات یکمتر به ۱۵ هزار نفر سرباز عراقی به اسارت درآمدند لذا بسیج امکانات و تجهیزات به لحاظ مالی و سیاسی علیه ایران اوج گرفت چرا که از ایران می‌ترسیدند. وی افزود: بعد از آن از آنجایی که هر پیروزی فشار جدیدتری را در بر دارد، روز به روز حضور مستقیم و جدی دشمن را شاهد شدیم و آمریکایی‌ها با صدام مخلوط شدند و رقابت شرق و غرب و ارتجاع عرب برای اتحادی علیه ایران کنار گذاشته شد که امروز نیز شاهد چنین صحنه‌ای هستیم علیرغم اینکه مثل آمریکا لشگرکشی نداریم و صرفاً کار محدودی می‌کنیم اما به دلیل برخورداری از یک منطق داخلی که نمونه آن راه اقتادن حشدالشعبی بود این نیروهای مردمی عراق توانستند ظرف ۳ روز در جنگ به پیروزی دست پیدا کنند و تکریت را تنها با ۵ درصد خسارت آزاد کنند در حالی که آمریکا رمادی را با ۹۵ درصد خسارت آزاد کرد و صرفاً تلی از خاک از آن برجای گذاشت لذا فرق سیاست‌های ایران و طرف مقابل در این اتفاقات است.

سردار سلیمانی ادامه داد: در شرایطی که آمریکا تصور می‌کرد گروه‌های سیاسی برآمده از ایران نمی‌توانند سهمی از عراق بگیرند مجلس اعلای عراق در رأس قرار گرفت و امروز فرمانده سپاه بدر بالاترین درصد محبوبیت بین عراقی‌ها را دارد.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه به شرایط لبنان اشاره و بیان کرد: هدف دشمن در لبنان نابودی حزب الله بود اما هر بار نتیجه عکس شد لذا امروز هر اعلامی که رهبر حزب الله می‌کند از سوی دشمن به صورت پیامی جدی دریافت می‌شود. وی ادامه داد: نقش حزب الله بالاست و بر ۳ صحنه اثرگذار است اول بر دشمن که تردید نمی‌کند که حزب الله توان غلبه بر آن را دارد، دوم در صحنه داخلی و سوم در صحنه عمومی و منطقه ای است که همین باعث افزایش فشارها بر آن نیز شده است چنانچه حتی توان نمی‌توانند شبکه‌ای مثل «لبنان» را ببینند و آن را از ماهواره‌ها حذف می‌کنند. سردار سلیمانی در ادامه به شرایط امروز سوریه اشاره و خاطرنشان کرد: اگرچه در ابتدای امر در خصوص تصمیم‌گیری‌ها در ایران در خصوص سوریه اختلاف نظر بود که میان شیعه و سنی تفرقه نیفتد اما در نهایت تصمیمات گرفته شد که دکتر لاریجانی نیز در آن نقش بسزایی داشت لذا اگر جمهوری اسلامی ایران ۴ سال در برابر حمله تکفیری‌ها ایستادگی نمی‌کرد امروز داعش در سوریه حکومت ایجاد کرده بود و حتی در لبنان مسیحی، سنی و شیعه را تحت تأثیر وضعیت دمشق قرار می‌داد چنانچه امروز در عراق داعشی‌ها مناطق گسترده‌ای را تصرف کرده و اهالی روستاها را ذبح می‌کنند و در الانبار صدها نفر سنی را ذبح کرده‌اند که ممکن بود این طوفان قتل به لبنان نیز منتقل شود.

فرمانده نیروی قدس در ادامه با تأکید بر اینکه جغرافیای سوریه و حاکمیت آن بسیار مهم است، بیان داشت: جمهوری اسلامی توانست طی سال‌ها به مقاومت سوریه کمک کرده و مانع بروز حادثه خطرناکی شود در حالی که ۴۰ کشور که ۲۵ کشور آن قدرتمند و ثروتمند هستند با تشکیل ائتلاف علیه داعش هم نتوانستند کاری کنند؛ امروز ۲ سال از حضور داعش در عراق می‌گذرد اما موصل هنوز در چنگ آنهاست البته جمهوری اسلامی ایران سهم مهمی در مقابله علیه داعش در عراق دارد و منجر به شکل‌گیری جریان‌های مردمی بسیاری مثل حشدالشعبی شده است که به ایران دلبستگی دارند البته عبارت حشد ایرانی که گفته می‌شد صرفاً یک اتهام است.

ادامه در صفحه ۵

سید حسن نصرالله:

وضعیت کنونی
حاصل نبود
اتحاد در امت
اسلامی است

صفحه ۷

حدیث روزگار ۲

مصاحبه
هیکل در
پاریس

صفحه ۴

تجلیل از نماینده حضرت آیت الله سیستانی
به عنوان چهره برتر مهدی‌ی‌آور

صفحه ۸

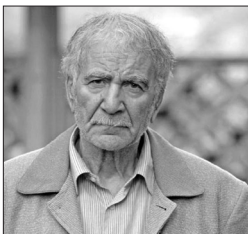
دیر کل مجمع جهانی تقریب:

سوریه محور
دفاع از فلسطین،
هویت و عزت
اسلامی است

صفحه ۷

همایش روز ملی بزرگداشت حکیم ملاصدرا برگزار شد

صلح و سلامت در جامعه نتیجه فلسفه‌ورزی بشر است



فلسفه در یونان و آوارگی فلسفه، به فلسفه توجه کرد، ایران بود و هیچ کشور دیگری به فلسفه رو نکرد به جز ایران.

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی معتقد است که منشأ شر در عالم هستی چهل است و اگر چهل نبود، شری نیز در عالم هستی نمودار نمی‌شد. به زعم او، نرسیدن به حکمت به نوعی برخاسته از چهل است. وی در ادامه به فرهنگ تمدنی ایران پرداخت و گفت: «ایران کهن‌ترین تاریخ تمدنی جهان را دارد یا حداقل در ردیف مهم‌ترین تمدن‌ها قرار می‌گیرد. همین فرهنگ تمدنی است که موجب شده، امروز فلسفه رایج شود اما مشکل این است که دقیق خوانده نمی‌شود. فلسفه هیچگاه در تاریخ این سرزمین به این اندازه عام و همگانی نبوده است.»

در ادامه این جلسه هم‌اندیشی دکتر مصطفی محقق داماد با بیان اینکه علم شریعت یا دانش فقه با متن زندگی افراد و حیات اجتماعی جامعه دینی رابطه‌ای ناگسستگی دارد، گفت: «تاریخ نشان می‌دهد که در مقاطعی جامعه اسلامی دارای نشاط و شکوفایی و رشد بوده که در آن تفکر فقهی عقلانی برجسته بوده است» و شاهد مدعی خود را قرن ۴ و ۵ هجری عنوان می‌کند.

وی با استناد به قول ذبیح‌الله صفا افزود: «مهم‌ترین عنصر از عناصر تمدن در قرن ۴ و ۵ علوم شرعی، عقلی است. این در حالی است که درست، در نقطه مقابل، در تاریخ می‌بینیم که چطور در دوره‌هایی جامعه در نتیجه سختگیری‌ها و جدایی از عقلانیت با مشکلات بسیار مواجه شده است.»

دکتر کریم مجتهدی با بیان اینکه من بیشتر متخصص فلسفه غرب هستم ولی مدافع فلسفه غرب نیست، گفت: «با تأمل در فلسفه غرب امکانات بیشتری در فلسفه خودمان خواهیم یافت. فلسفه صدرا، سهروردی، میرداماد و... می‌تواند آینده فرهنگ ما را تضمین کنند اما نباید از فلسفه غرب بی‌اطلاع بود». وی در این راستا به موضوع «علم‌النفس» در فلسفه خودمان و فلسفه غرب پرداخت و تأکید کرد که در «علم‌النفس» مباحثی مانند نفس لواحه، مطمئه، اماره، راضیه و... وجود دارد. همین مطالب را می‌توان با مسامحه در جدیدترین نحله‌های فلسفه غرب دید. یکی از این مسائل، «پدیدارشناسی روح» هگل است. فرق آن، با آنچه در سنت ما وجود دارد، این است که در سنت ما بین انواع «نفس» تفاوت قائل شده‌اند این در حالی است که از نظر هگل هر کدام از «نفس‌ها» می‌تواند به دیگری بدل شوند.

بیستمین همایش روز ملی بزرگداشت حکیم ملاصدرا به همت بنیاد حکمت اسلامی صدرا با حضور آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس این بنیاد، دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم و دیگر اساتید فلسفه از جمله دکتر کریم مجتهدی، استاد پیشکسوت فلسفه، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو هیأت علمی انجمن حکمت و فلسفه، دکتر سید مصطفی محقق داماد، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و دکتر غلامرضا اعوانی، استاد فلسفه اسلامی، یکم خرداد ماه در مجتمع فرهنگی آدینه برگزار شد.

آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای در ابتدای این نشست با بیان اینکه سراسر زندگی بشر پر از سعی و کوشش است، تأکید کرد تنها تلاشی به نتیجه می‌رسد که بر مبنای «عقل» و «فطرت سالم» باشد. از این رو، معتقد است که فلسفه به درک حقیقی ما از عالم کمک می‌کند. به زعم او، وقتی درک ما حقیقی خواهد بود که راه هم مشخص شده باشد و این تعین با کمک عقل میسر می‌شود؛ انسان با عقل نظری جهان را در درون خود جای می‌دهد. عقل نظری، عقل عملی را بیدار می‌کند و عقل عملی برابر آنچه یافته است شروع به زندگی کردن می‌کند.

وی در ادامه با بیان اینکه جهان عاری از فلسفه خصوصیتی دارد که یکی از نتایج آن کشیده شدن انسان به توحش است، گفت: «وقتی که حکمت ملازم با خیر نباشد عکس آن یعنی شر ظاهر می‌شود. یک مجموعه در جهان پیدا می‌شود که محور شرارت است، انسان و جهان عاری از فلسفه یک دنیای کور و ظلمانی است.»

دکتر رضا داوری اردکانی معتقد است که بدون «فلسفه» نظم، عقل، صلح و سلامت وجود نخواهد داشت؛ یعنی اگر بشر «تفکر» نداشت «جامعه» قوام پیدا نمی‌کرد. به زعم او، «عقل» را نباید با «هوش» اشتباه گرفت. ادبای ما وقتی از «عقل شیطانی» سخن می‌گفتند، منظور آنها «هوش» بوده است. نسبت بهره هوشی با «خیر و شر» و «صلح و جنگ» مساوی است. عقل در نظر ما «مری شریف» است.

وی تأکید کرد که «عقل» رحمانی و شیطانی ندارد و «عقل» به‌طور کلی رحمانی است و با عقل است که جامعه قوام پیدا می‌کند و فلسفه باید مظهر عقل باشد. عقل که باشد، صلاح وجود دارد. وی در ادامه به نسبت «ایران» و «فلسفه» پرداخت. به زعم او، ایران به عنوان یک منطقه جغرافیایی یا هر منطقه دیگری با فلسفه نسبت ذاتی ندارد. وقتی می‌گوییم ایران، ایران یک جغرافیا نیست بلکه یک تاریخ و روح است. وقتی بحث از ایران و فلسفه می‌شود باید دید مراد ما از ایران چیست. به زعم او، ایران، یک تعین تاریخی است. نسبت ایران با فلسفه این است که هر دو یکدیگر را می‌سازند. تنها کشوری که بعد از تعطیلی مدارس

نماینده رهبر انقلاب در عراق:

آیت‌الله آصفی شخصیتی

بی‌نظیر و متواضع بود

آیت‌الله سیدمجتبی حسینی در مراسم سالروز ارتحال آیت‌الله حاج شیخ محمدمهدی آصفی که در تالار بیداری اسلامی جامعه‌الزهرابرگزار شد، اظهار کرد: افرادی هستند که غرق در مال می‌شوند و وجود خود را ابزار کسب درآمد قرار می‌دهند.

وی خاطرنشان کرد: اهل دل و دین لذت بیشتری کسب می‌کنند که ناشی از لذت‌های معنوی است، که قابل مقایسه با لذت مادی و خوردن میوه و غذا نیست. نماینده رهبر معظم انقلاب در عراق با بیان اینکه علما باقی هستند، گفت: آنها در جوار رحمت الهی هستند، انسانی که برای خدا فعالیت کند، خدا او را عزیز می‌کند، در ذهن دشمنان امام خمینی(ره) نیز، عظمت ایشان ترسیم شده بود.

وی خاطرنشان کرد: فسادها در دنیا زمانی به وجود می‌آید که افراد علم و استعداد خود را برای دنیا به کار می‌برند، ممکن است علمایی باشند که اصول، ادبیات، تفسیر و... را به اندازه عالی می‌فهمند ولی مسائل اجتماعی را نمی‌فهمند، این فرد با عینک روایات نمی‌تواند جامعه و جهان را مشاهده کند، این فرد بدون بصیرت است.

آقای حسینی عنوان کرد: بصیرت داشتن بینشی است که فرد با روایات و آیات قرآن عمق مطلب را درک می‌کند، این مردم همان هستند که خدا از آنها راضی است.

وی با اشاره به ویژگی‌های آیت‌الله آصفی گفت: وی مایل بود به روستاها و نقاط دورافتاده برود تا علم خود را بیان کند، رهبر معظم انقلاب با بهترین تعبیر این عالم را دارای شخصیت نواندیش نامیدند، نواندیشی به این معنا است که فرد به عمق معارف اهل بیت(ع) دست پیدا کند.

وی خاطرنشان کرد: در روایات اهل بیت(ع) بیان شده که عمل کردن بهتر از بیان کلام اهل بیت(ع) است، آیت‌الله آصفی نیز علم کلام را با وجود عمل کرد، نماینده رهبر معظم انقلاب در عراق یادآور شد: آیت‌الله آصفی در دانشگاه‌ها جایگاه بلندی داشت و نویسندہ‌ای پرکار و اثرگذار بود و آثاری در زمینه مشکلات زمان و خطرات تهدیدکننده تالیف کرد و در تمام مسائل سیاسی بیانیه صادر می‌کرد، بنابراین نسبت به امور بی‌تفاوت نبود.

وی با اشاره به مبارزات سیاسی آیت‌الله آصفی گفت: این عالم در دوران صدام، به عضویت حزب دعوت اسلامی که شهید محمدباقر صدر مؤسس آن بود، درآمد، زیرا آن را مسیری برای رسیدن به اهداف عالی می‌دانست.

آقای حسینی خاطرنشان کرد: این عالم بزرگوار در عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی در عراق از سابقه درخشان برخوردار بود و فکر سنجیده و تحلیل عمیق از مسائل داشت و روابط دقیقی با شخصیت‌ها، وزرا و نخست وزیر عراق داشت.

وی با بیان اینکه آیت‌الله آصفی در شرایط حساس سیاسی فعالیت داشت و اهداف رهبری را پیاده‌سازی می‌کرد، یادآور شد: در عین حال که زاهد بود، ولی انسانی متمدن بود و در مسائل روز دخالت می‌کرد و دیدگاه وسیع و عمیق داشت.

نماینده رهبر معظم انقلاب در عراق خاطرنشان کرد: آیت‌الله آصفی شخصیتی پرتلاش بود، به اندازه‌ای تلاش و کوشش می‌کرد که کسانی که با وی بودند، صفای دل و پاکی باطن وی را اظهار می‌کردند.

وی با بیان اینکه آیت‌الله آصفی شخصیتی بی‌نظیر و متواضع بود، گفت: احساس ارزنده‌ای است که انسان بفهمد، آنچه انجام می‌دهد، هر چند زیاد باشد، در برابر خداوند ناچیز است، این عالم از این احساس برخوردار بود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

اجازه ندهیم نظام دانشگاهی بر حوزه ها حاکم شود

وجود دارد؛ این گسترش بر اثر پیدایش علوم و توسعه آن است؛ یا باید جلوی توسعه علم را گرفت یا باید تخصصی شدن آن را پذیرفت؛ علوم اسلامی بر اثر گذشت زمان به تخصصی شدن گرایش یافت؛ فایده تخصصی شدن این است که آن بخش مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد و دوباره گسترش پیدا خواهد کرد.

وی با بیان این که باید از انجام کارهای تکراری در رشته‌های تخصصی حوزوی پرهیز شود، گفت: در عصری زندگی می‌کنیم که علوم اسلامی گسترش زیادی یافته و چاره‌ای جز تخصصی شدن نداریم؛ چند آسیب دارد که ممکن است دامن تخصصی شدن را بگیرد: اولین نکته این است که در رشته‌های تخصصی کار تکراری نشود؛ حیف است استعدادها، فکرها و وقت‌ها تکراری شود؛ مرزهای رشته‌های تخصصی مشخص شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی حاکم شدن نظام دانشگاه بر حوزه را آسیب خواند و یادآور شد: نکته دوم این است که نظام دانشگاهی بر حوزه‌ها حاکم نشود؛ در حوزه مسأله‌ای به نام ترم نداشتیم، بر اثر زمان به آن طرف غلتیدیم؛ نباید در نشریه رشته تخصصی حوزه، تمامی مطالب از استادان دانشگاه باشد و نام یک نفر از حوزه در آن درج نشده باشد و این مسأله در آینده برای حوزه آسیب دارد.

این مرجع تقلید با اشاره به این که نباید فرهنگ

امام جمعه موقت قم:

شخصیت آیت‌الله آصفی باید برای نسل امروز بازسازی شود

آنکه از حوزه نهضت‌آفرینانی برخاستند.

آقای اعرافی خاطرنشان کرد: آیت‌الله آصفی حوزه را مکانی برای وحدت اسلامی، تعامل و همگرایی می‌دانست، معتقد بود که مذاهب اسلامی باید همگرایی داشته باشند. وی با بیان اینکه حوزه انقلابی به سمت دولت اسلامی قدم برمی‌دارد، گفت: این حوزه همه سرزمین‌های اسلامی را از آن خود می‌داند، آیت‌الله آصفی به عنوان الگو در زمینه حوزه انقلابی است.

رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه عنوان کرد: مرحوم آیت‌الله آصفی حاصل حوزه نجف و قم بود، حوزه وی تاکید بر کار و تلاش بیشتر دارد، طلاب و فضلاء جوان باید این مسیر را دنبال کنند، این عالم بزرگوار بروز پایگاه انقلابی در حوزه بود، بنابراین باید برای نسل امروز شخصیت این عالم بازسازی شود.

وی با بیان اینکه آیت‌الله آصفی تجسم فقه سیاسی بود، گفت: باید این عالم بزرگوار در زمینه زندگی و آثار بازخوانی و تحلیل شده و شخصیت وی برای نسل امروز از نظر فکر، عمل و اخلاق بازپروری شود.

آیت الله حائری شیرازی مطرح کرد؛

فضای مجازی می‌تواند فرزندانمان را جهنمی کند

انسان کوچک کرده است تا انسان را بزرگ کند.

آیت الله حائری شیرازی خاطرنشان کرد: همانطور که در فضای مجازی می‌توان بدترین ضربه‌ها را زد، می‌توان بهترین خدمت‌ها را نیز انجام داد. از طریق این فضا هم دشمن می‌تواند بچه‌های ما را از چنگ ما در آورده و به جهنم ببرد و هم ما می‌توانیم به کمک آن بچه‌های دشمن را از چنگ او در آورده و به بهشت ببریم.

وی با بیان اینکه تا زمانی که فضای مجازی را نمی‌شناسیم، تهدید است و هرگاه که آن را مطالعه کردیم به فرصت تبدیل می‌شود، گفت: ابتدا که در دریای فضای مجازی می‌افتید، رنج آور است اما آنگاه که شنا در آن را آموختید به جولانگاه شما تبدیل خواهد شد.

آیت الله حائری شیرازی تاکید کرد: هر پدیده‌ای تا زمانی که درباره‌اش شناخت نداشته باشیم تهدید است اما وقتی شناخت پیدا کردیم و مجرب شدیم به فرصت تبدیل می‌شود. پس تفاوت بین تهدید و فرصت ناشی گری ماست و در فضای مجازی نیز باید تلاش کنیم که این تهدید به یک فرصت تبدیل شود.

را بر نمی‌گردانند، آیا آیت الله کاشانی و فداییان اسلام توان تشکیل حکومت داشتند یا حکومت به دست توده‌ای‌ها می‌افتاد؟ اگر چنین می‌شد بدتر از شاه بر شما حاکم می‌شد و توده‌ای‌ها همه مساجد را ویران می‌کردند. پس به اراده خداوند، آمریکا بر مردم ظلم کرد و شاه را بر گرداند تا ظلم بزرگتری به آنها روا نشود تا روزی که ملت به بلوغ برسد، توان تشکیل حکومت اسلامی را داشته باشد و آنگاه شاه را بیرون کردند و دیگری کسی او را بر نگرداند.

وی تاکید کرد: اینگونه دیوار حکومت ظلم تثبیت شد تا ملت ایران به بلوغ برسد و خود دیوار را کنار زده و گنج خود را از زیر آن استخراج کنند.

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه افزود: موانع و رنج کشیدن‌ها و آسیب‌های ملت در فضای مجازی نیز زمینه‌ای برای بالغ شدن در فضای مجازی است. همین رنج کشیدن‌هاست که سبب می‌شود شما به قدرت این عرصه پی‌برید. فضای مجازی، فضای تربیتی شماست. فضای مجازی که بهترین فضا برای گفت‌وگو است، فاصله مکانی میان افراد را از بین برده و عالم بزرگ را برای

حضرت آیت الله مکارم شیرازی ضمن اشاره به لزوم پرهیز از کارهای تکراری در رشته‌های تخصصی حوزه، گفت: باید حوزه را به سمت علم برای خدا، قداست و نظام امام زمان(عج) پیش ببریم و باید مشوق‌های مادی تا حدود معینی باشد و این درست نیست که محور کارها مادیت شود.

به گزارش خبرگزاری رسا، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در سومین اجلاس‌یه اساتید مراکز تخصصی و مؤسسات آموزش عالی حوزه‌های علمیه که در سالن همایش‌های پیامبر اعظم(ص) مدرسه امام موسی کاظم(ع) در قم برگزار شد، خاطرنشان کرد: یکی از معجزات پیامبر اسلام این است که از محیط جاهلیت برخاست و بزرگترین طرفدار علم و دانش بود.

این مرجع تقلید با اشاره به جایگاه علم در اسلام اظهار داشت: در قرآن آمده است که از خلقت عالم تا قیام پیامبر گرامی اسلام(ص) همه به نحوی با علم و دانش ارتباط دارند؛ ابتدای بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز بر پایه علم و دانش بوده و این نشان می‌دهد که اسلام چه مقدار طرفدار علم و دانش است.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم درباره گسترش علوم مختلف در طول زمان تصریح کرد: در گذشته تمامی علوم را در یک کتاب جمع کرده بودند و علم و دانش بشر بیش از این نبود؛ بر اثر گذشت زمان، امروز وقتی به علم طب نگاه می‌کنیم، صدها رشته تخصصی

آیت‌الله علیرضا اعرافی در مراسم سالروز ارتحال آیت‌الله حاج شیخ محمدمهدی آصفی که در تالار بیداری اسلامی جامعه‌الزهرابرگزار شد، اظهار کرد: آیت‌الله آصفی نمادی از حوزه‌ای بود که امروز رهبری، طلاب را به آن دعوت می‌کنند.

وی خاطرنشان کرد: آیت‌الله آصفی نگاهی تاریخی به حوزه داشت، بر همین اساس الگویی از حوزه در ذهن داشت و دنبال می‌کرد، بنابراین باید تاریخی درباره حوزه تالیف شود. رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه با بیان اینکه امروز طلاب باید به عمق هویت حوزوی وصل شوند، گفت: حوزه باید برای دنیای معاصر اصلاح و تکمیل شود، آیت‌الله آصفی طالب نگاه تحلیلی و تاریخی به حوزه‌های علمیه بود، زیرا وی الگویی از حوزه انقلابی در ذهن داشت.

وی خاطرنشان کرد: حوزه انقلابی در خط مشی و رفتار آیت‌الله آصفی تجلی داشت، حوزه انقلابی از ره‌آوردهای انقلاب اسلامی است، در این حوزه نباید تصویر و حرکت‌های سطحی و شعاری به ذهن آید.

اعراف‌ی عنوان کرد: حوزه انقلابی حوزه تمدنی است،

آیت الله محی الدین حائری شیرازی در سی و سومین نشست جبهه انقلاب اسلامی در مورد فضای مجازی به شرح موضوع اخلاق در فضای مجازی پرداخت و خاطرنشان کرد: این فضا برای جدا کردن والدین از فرزندان ساخته شده است. در این فضا دیگر نسبت‌های فامیلی معنا ندارند و فرزندان آنچه می‌دانند و می‌خوانند و می‌شنوند، هستند.

وی افزود: بر اساس روایت معتبر هیچ بلایی نیست مگر آنکه خداوند در آن نعمتی قرارداده است که محیط بر آن بلاست. «ما من بلاء الا والله فیها نعمه تحیط بها».

استاد برجسته اخلاق تهران با اشاره به داستان حضرت موسی(س) و خضر(س) و اعتراضات بی‌مورد موسی به آنچه از خضر سرزده بود، تاکید کرد: گاهی آسیب‌گشتی و سوراخ شدن آن توسط خضر برای مستمندانی که با آن کار می‌کنند، نعمتی است تا کشتی توسط پادشاه ظالم غصب نشود و همچنین است تعمیر دیواری که روی گنج ۲ کودک نابالغ قرار دارد تا وقتی بالغ شدند گنج خود را استخراج کنند.

آیت الله حائری شیرازی گفت: اگر در سال ۱۳۳۲ شاه



انقلاب بحرین با ورود ۸ ارتش خارجی برای سرکوب قیام مردمی خاموش نشد

تسنیم: شیخ «عبدالله صالح» جانشین دبیر کل جنبش عمل اسلامی بحرین، نسبت به ادعاها و تهدیدات آل خلیفه علیه جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان داد و در این خصوص گفت: در بحرین شاهد سردرگمی شدید رژیم آل خلیفه هستیم و رفتارهای آنان با هیچ معیاری قابل درک نیست و از نظر دیپلماتیک نیز هیچ گونه توجیهی ندارد، حتی اگر کشوری بخواهد تابع کشور دیگری باشد این اتفاق در برخی زمینه‌ها و به‌طور برنامه ریزی شده روی خواهد داد نه به شیوه‌ای که آل خلیفه از سعودی‌ها تبعیت می‌کند. وی ادامه داد: اما اینکه یک کشور در تمام جزئیات تابع کشور دیگری باشد مسئله چندان آوری است، دولت بحرین در مدت زمان بسیار کوتاه ۴۸ ساعت چندین تصمیم جنون آمیز گرفت که نشان دهنده عدم درک آنان از واقعیت‌های موجود است. اولین مورد بیانیه وزارت کشور در خصوص تروریسم، حمله به جمهوری اسلامی ایران و حزب الله بود، دومین مورد پیام وزارت دفاع در خصوص ساکت نماندن در برابر خرابکاران و وعده برلین سر فتنه و سومین مورد نیز بیانیه جمعیت «صالت» بود که برای ثبت نام داوطلبان پیوستن به ارتش در صورت اعلام نیاز از سوی دولت بحرین اعلام آمادگی کرده است.

او در ادامه گفت: مورد چهارم صدور بیانیه از سوی پارلمان بحرین و درخواست از دولت برای اعلام جنگ علیه حزب الله و جمهوری اسلامی ایران است، اینها گمان می‌کنند که پس از صدور این بیانیه جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان از ترس پنهان خواهند شد، از آنان سؤال می‌کنم که شما چه ابزاری در اختیار دارید که علیه حزب الله و جمهوری اسلامی ایران اعلام جنگ می‌کنید؟ شما در مواجهه با یک ملت بی‌دفاع، غیر مسلح و صلح‌طلب در بحرین که خواستار محقق شدن مطالبات مشروع خود شدند مجبور به وارد کردن ۸ ارتش از کشورهای مختلف شدید.

شیخ عبدالله صالح خطاب به رژیم آل خلیفه گفت: شما در مواجهه با ملت بی‌دفاعی که تنها دست به راهپیمایی‌های مسالمت آمیز می‌زند مجبور به وارد کردن ارتش عربستان، امارات، قطر، نیروهای امنیتی اردن و به کارگیری مزدوران پاکستان و همچنین مدد جستن از ناوگان پنجم آمریکا و اجازه دادن به انگلیس برای تأسیس مجدد پایگاه نظامی در بحرین شدید. از سوی دیگر از کشورهای مختلف درخواست کردید که از شما اعلام حمایت کنند که ترکیه، پاکستان، مغرب، مصر، اندونزی و مالزی برای حمایت از شما اعلام آمادگی کردند با این وجود موفق به ساکت کردن جنبش مردمی نشدید.

وی هدف آل خلیفه از اینگونه اقدامات را تن دادن به خواسته‌های رژیم سعودی دانست و افزود: در حقیقت اقدامات سخیف و چندان آور رژیم آل خلیفه به دلیل سرسپردگی به سعودی‌ها و برای راضی کردن آنان صورت می‌گیرد. سعودی‌ها خود نیز دچار سردرگمی شده و سعی دارند با پول‌های خود مزدوران، رسانه‌ها، کشورها و سلاح بخرند اما چه نتیجه‌ای از این کارها خواهند گرفت؟ آیا این اقدامات در حل مسائل مختلف منطقه مؤثر خواهد بود؟

جانشین دبیر کل جنبش عمل اسلامی بحرین در پایان گفت: در حقیقت منطقه به دلیل وجود این رژیم‌های دیکتاتوری که حاضر هستند برای حفظ تاج و تخت خود بار دیگر پای استعمارگران را به منطقه باز کنند در نا آرامی و تشنج به سر می‌برد. هیچ یک از اقدامات آنان نمی‌تواند به حل مشکلات منطقه ما کمک کند، منطقه نیازمند متوقف کردن تروریسم و خشکاندن منابع پشتیبانان و صادرکنندگان تروریسم است، ما به سیاستمداران حکیمی نیاز داریم که در راستای منافع مردم گام بردارند، نظامی‌گری و روی آوردن به شیوه‌های ترساندن مردم دیگر ثمر بخش نیست.

دوگانگی «اردوغان» مقابل اعدام دو روحانی؛ از شیخ نمر تا مطیع الرحمان

در همین ارتباط، خبرگزاری آناتولی گزارش داد که «نقیب الرحمان» پسر مطیع الرحمان از موضع رئیس‌جمهور ترکیه تشکر کرده است.

نقیب گفته است که «ما خیلی از موضعی که رئیس‌جمهور اردوغان گرفته‌اند، تشکر می‌کنیم. او همیشه در کنار مردمی که در هر جای دنیا تحت ظلم قرار گرفته‌اند، ایستاده است... و شاید او تنها رهبری در دنیا باشد که مظلومان را یاری می‌کند. او همیشه مشکلات مردم در سوریه، فلسطین، ارکان و بنگلادش را مطرح کرده است.» نکته دیگر این است که «عبدالغفار عزیز» یکی از مسئولان روابط خارجی «جماعت اسلامی» گفته که جز رئیس‌جمهور ترکیه که به حکم اعدام به‌شدت معترض شد، هیچ رهبر اسلامی دیگری به این احکام اعتراض نکرد.

با این حال، رجب طیب اردوغان چشم خود را بر روی اعدام شیخ نمر باقر النمر که مراجع دینی مختلف در دنیای اسلام در ایران، عراق، لبنان، عربستان و بحرین آن را محکوم کردند، بست و حتی حاضر نشد آن را محکوم کند. گفتنی است جماعت اسلامی بنگلادش (معروف به جماعت) گفته می‌شود بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین حزب اسلامی در بنگلادش است. این حزب در آخرین انتخابات عمومی (۲۰۰۱) ۱۸ کرسی از ۳۰۰ کرسی مجلس را کسب کرد و به‌خاطر نقشش در تشکیل اتحاد چهارحزبی که برنده انتخابات شد، ۲ وزیر را معرفی کرد. امروز ائتلاف این حزب با حزب ناسیونالیست بنگلادش دو سوم مجلس را در اختیار دارد.

خبرگزاری رسمی ترکیه «آناتولی»، نوشت که رجب طیب اردوغان روز جمعه، حکم اعدام رهبر جماعت اسلامی بنگلادش را محکوم کرد. اردوغان اما حاضر نشده بود حتی اعدام «شیخ نمر باقر النمر» از سران سرشناس شیعیان عربستان را که دولت این کشور به اتهام دخالت در امور تروریستی اعدام کرد، محکوم کند. اردوغان روز چهارشنبه ۶ ژانویه ۲۰۱۵ درباره اعدام شیخ نمر گفته بود: این اعدام‌ها از امور داخلی عربستان است. ما به اعدام‌ها در عربستان با دیده طائفی نگاه نمی‌کنیم. بنابراین اردوغان به دلیل نزدیکی مواضع خود با عربستان در خصوص مهمترین بحران منطقه یعنی سوریه، حاضر نشده بود اعدام روحانی عربستانی را که جرم او صرفاً اعتراض به سران عربستان و انتقاد از آنان بود، محکوم کند. اردوغان این بار این اعدام را از امور داخلی بنگلادش ندانست و گفت: من شدیداً این ذهنیتی را که تصمیم می‌گیرد چنین مجاهدی را اعدام کند، محکوم می‌کنم. معتقدیم که او حتی خطای دنیوی هم مرتکب نشده بود و اجرای اعدام او با وجود همه اقداماتی که انجام می‌دهیم، رفتار غیرمردم‌گرایانه و شیوه‌ای ناعادلانه است. پس از اردوغان، وزارت امور خارجه ترکیه سفیرش در داکا پایتخت بنگلادش را در اعتراض به این امر فراخواند و اعلام کرد: «این اعدام را به‌شدت محکوم می‌کنیم زیرا معتقدیم که مطیع الرحمان نظامی مستحق چنین حکمی نبود و از خدا می‌خواهیم که او را رحمت کند».

دیدار پاپ فرانسیس و شیخ الازهر

روابط موجود با واتیکان را تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآورده بود.

اظهارات پاپ بندیکت دربردارنده این ادعای موهوم بود که برخی مسلمانان ساکن خاورمیانه علیه سایر قشرهای مستقر در این منطقه توطئه می‌کنند و بعد از اعلام قطع ارتباط توسط الطیب، دولت مصر نیز نماینده خود در واتیکان را فراخواند. مسیحیان قبطی که صاحب مقری در شهر اسکندری مصر هستند، عملاً ۱۰ درصد از مردم این کشور در شمال آفریقا را تشکیل می‌دهند. در آن زمان وزارت خارجه مصر در بیانیه‌ای متذکر شد: دولت مصر به هیچ نهاد غیرمصری اجازه نمی‌دهد در ترسیم رویدادهای داخلی این کشور تحت هر عنوانی دخالت کند و مسائل مربوط به قبطی‌ها نیز در درجه اول یک فرآیند داخلی به حساب می‌آید.

قبل از ماجرای مذکور و پیش از اظهارات پاپ بندیکت روابط الازهر با واتیکان مدت‌ها در بالاترین سطح و به بهترین شکل برقرار بود و پاپ ژان پل دوم که پیش از بندیکت سال‌ها کاتولیک‌های جهان را هدایت می‌کرد از این مسجد و دانشگاه مرتبط با آن در سال ۲۰۰۰ بازدید کرده و سال‌ها دیالوگ‌های مثبت بین دوسو را به حد فزون‌تری از حد بهرهوری رسانده بود. درصدها و آمار بالای موجود نیز چنین ارتباط نزدیکی را مهم جلوه می‌دادند. از یکسو الازهر معمولاً مرکز مطالعات اسلامی برای اهل سنت به حساب آمده است و اسلام حداقل ۱/۶ میلیارد پیرو در سطح جهان دارد و از سوی

رئیس‌جمهور ترکیه که اعدام روحانی سرشناس عربستان «شیخ نمر» را امر داخلی عربستان دانسته بود، اعدام روحانی سرشناس بنگلادش را محکوم کرد و این بار از «امور داخلی بنگلادش» سخنی به‌میان نیاورد. مقامات بنگلادش روز سه‌شنبه «مطیع الرحمان نظامی» رهبر «جماعت اسلامی»* این کشور را به اتهام دخالت در امور تروریستی اعدام کردند.

مطیع الرحمان ۷۲ ساله، که از سال ۲۰۰۰ رهبر «جماعت اسلامی» بود، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ وزیر کشاورزی و صنعت دولت ائتلافی در بنگلادش بود که شامل اسلامگراها هم شده بود.

مطیع الرحمان از سال ۲۰۱۱ به اتهام قاچاق سلاح به هند، بازداشت و در ژانویه ۲۰۱۴ به اعدام محکوم شد. او پیش از این نیز به دخالت در کشتارهایی متهم شده بود که در اثنای اتفاقات مخالفت با جدایی بنگلادش از پاکستان رخ داده بود. بنابراین در اکتبر ۲۰۱۴ با حکم اعدام دیگری روبه‌رو شد که مبنای آن ارتکاب «نسل کشی» در اتفاقات «جدایی» بنگلادش بود.

سران حزب جماعت اسلامی این اتهامات را سیاسی می‌دانند و به حکم اعدام او معترض شده بودند.

از جمله کسانی که در عرصه بین‌الملل با این اعدام مخالفت کرد، «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه است که پیش از این، اعدام یکی از سران دینی عربستان را امر داخلی این کشور دانسته بود.

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان و شیخ الازهر به مدت ۲۵ دقیقه در محل کتابخانه واتیکان ملاقات و گفت‌وگو کردند تا ظاهراً قدمی تازه در راه افزایش وحدت دو دین عمده جهان یعنی اسلام و مسیحیت برداشته شود.

ایران آنالین: به گزارش واشنگتن پست، پاپ خطاب به احمد الطیب شیخ الازهر گفت: «این دیدار پیامی روشن برای همگان است.» وضوح این پیام زمانی بیشتر روشن می‌شود که در نظر بگیریم امام و رئیس‌نهادی مذهبی - دانشگاهی با قدمت هزار سال که یکی از قطب‌های تعلیمی مسلمانان محسوب می‌شود شش سال بعد از اظهارات متفاوت پاپ قبلی (بندیکت) وارد واتیکان شد که این نشان می‌دهد تا چه حد شرایط و دیدگاه‌های مسیحیت درخصوص این همسویی تغییر یافته است.

اکنون به نظر می‌رسد تعامل سران مذکور شاید بتواند از برخی تنش‌ها بین دو مذهب که به‌طور خاص در مصر می‌توان نشانه‌های آن را دید، بکاهد.

پاپ بندیکت پس از کشته شدن ۲۱ نفر در جریان یک بمب‌گذاری در کلیسای مختص مسیحیان قبطی در اروپا در سال ۲۰۱۰ متذکر شده بود که دولت‌های این قاره باید برای حفظ جان شاخه‌های مختلف مسیحیت در قبال حملات بیرونی تدبیری مؤثر بیندیشند.

شیخ احمد الطیب که در آن زمان نیز شیخ مسجد الازهر بود، اظهارات بندیکت را توهین‌آمیز دانسته بود و پس از مشورت با برخی شوراهای اسلامی در مصر

مفتی قدس: بیانیه‌ها به تنهایی برای متوقف شدن تجاوزات رژیم صهیونیستی کافی نیست

فتوی‌ای سفر به قدس در سایه سلطه رژیم صهیونیستی بر آن - تصریح کرد: این سفر با قصد زیارت اماکن مقدسه و اعلام حمایت از ساکنان فلسطینی بیت المقدس - نوعی مقاومت در

برابر اشغالگری این رژیم است و از نظر ما به نوعی همیاری آنان برای ادامه مقاومت به شمار می‌رود.

وی ادامه داد: ما از این سفرها حمایت می‌کنیم مشروط بر اینکه در چارچوب فتواهای موجود از جمله شرط به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی و اشغالگری آن در بیت المقدس وعدم تعامل با آن به عنوان یک کشور و عادی‌سازی روابط - باشد.

وی از علاقمندان زیارت بیت المقدس خواست در صورت تمایل به سفر به این شهر هماهنگی‌های لازم را با مقامات فلسطینی و اردنی صورت دهند.

وی هشدار داد: تفرقه و تشتت گروه‌های فلسطینی و کشورهای عربی و اسلامی به ضرر مساله فلسطین است - قضیه فلسطین محور اساسی وحدت همه گروه‌های فلسطینی و کشورهای عربی و اسلامی است زیرا به وضوح نمایانگر و شاخص عقیده اسلامی - تمدن و تاریخ جهان اسلام است.

شیخ حسین با اشاره به فتواهای اخام‌ها در رابطه با کشتار فلسطینیان و شلیک بی‌دلیل به آنان اظهار داشت: ما این فتواها را محکوم می‌کنیم و آن را به شدت مردود می‌دانیم و همه مکاتب فکری و دینی و قوانین و سازمان‌های بین‌المللی نیز این نگرش را رد می‌کنند - این فتواها نژادپرستانه و در مسیر تحریک عمومی علیه فلسطینیان و ترغیب یهودیان به کشتن آنها است.

شیخ محمد حسین مفتی قدس همچنین در رابطه با

مفتی قدس خواهان اقدام عملی برای متوقف شدن تجاوزات رژیم صهیونیستی و تعرض به مسجد الاقصی شد و گفت: صدور بیانیه و قطعنامه‌های کشورهای اسلامی و عربی به تنهایی برای ممانعت از این روند کافی نیست.

شیخ محمد حسین در گفت‌وگو با الشرق الاوسط افزود: لازم است اقدامی عملی در محافل بین‌المللی و منطقه‌ای برای دفاع از حقوق مشروع فلسطینیان صورت گیرد.

مفتی قدس اضافه کرد: در صورت اجماع کشورهای اسلامی و عربی بر یک موضع واحد و استفاده از تمام توان و ظرفیتهای موجود جهان اسلام می‌توان به حلی عادلانه برای مساله فلسطین دست یافت، در این صورت این کشورها می‌توانند راه حلی معقول را که متضمن تأمین همه حقوق فلسطینیان باشد ارایه دهند.

... می دانیم که امام خمینی (ره) در پاریس از هر وسیله ای برای نشر افکار و اهداف نهضت اسلامی استفاده می کرد و از جمله این وسائل، مصاحبه های مطبوعاتی - رادیو - تلویزیون و ملاقات های ویژه با شخصیت های تأثیرگذار در جهان اسلام بود.

امام خمینی در این راستا، حتی با بی بی سی و دیگر رادیوها و تلویزیون های اروپایی و آمریکایی مصاحبه و گفتگو کرد و روزنامه های کثیرالانتشار جهان عرب و غرب را نیز در مدنظر ایشان بود.

یکی از کسانی که سابقه آشنایی با حوادث ایران داشت، محمد حسنین هیکل، روزنامه نگار و شخصیت سیاسی معروف مصری است که با سفر به فرانسه، در ملاقات با امام در پاریس به گفتگو نشست و نتیجه گفتگوها را منتشر ساخت.

متأسفانه این گفتگوها، به علت عدم دقت آقای هیکل و یا استمرار روحیه بزرگمنائی مطبوعاتی!، دارای اشتباهاتی بود که بعضی از آنها شاید قابل اغماض می تواند باشد، ولی بعضی دیگر را حتماً باید مورد بررسی قرار داد و نقد نمود و یا پاسخ داد.

هیکل علاوه بر کتاب خود درباره انقلاب اسلامی ایران که نسخه عربی آن تحت عنوان «مدافع آیت الله - توپ های آیت الله - منتشر شده است و دارای اشتباهات و یا جعلیات عجیب و غریبی است و به موقع به آن خواهیم پرداخت، هیکل در بعضی از مصاحبه های خود هم دچار چنین لغزش هایی - قاعدتاً غیر عمدی - شده است که باید اصلاح گردد.

آنچه که در این شماره مطرح می شود، اشاره به مصاحبه منتشر شده از هیکل در هفته نامه معروف «نیمروز» است که به زبان فارسی، با محتوایی متنوع، از لندن منتشر می گردید.

در شماره ۴۴۴ این روزنامه، مورخ تیرماه ۱۳۷۶ مصاحبه ای از هیکل منتشر شده بود که نخست خلاصه ای از آن را نقل و سپس اشتباهات او را یادآوری می کنیم. هیکل می گوید:

«خبرنگار: به اعتقاد من روابط مصر و ایران همواره شکل ویژه ای داشته است حتی در دوران برخورد و بحران میان این دو کشور.

هیکل: ایران در زمان شاه اسماعیل صفوی مذهب شیعه را بنا نهاد و می دانیم مذهب شیعه اثرات بزرگی در مصر بر جای گذاشته است. خمینی می گفت: مصری ها از نظر جغرافیایی عرب هستند اما از نظر روحی شیعه. از زمان فاطمیان اثرات عمیقی در زندگی روزمره مصری به جای مانده، مهمترین آن، حب اهل بیت است و جشن های مذهبی (مربوط به اهل بیت) فاطمیان در حقیقت بخش بزرگی از نیازهای روحی مصری ها را برآورده ساختند که اثرات آن هنوز به طور فعال در مصر در جریان است.

یک موضوع دیگر اینکه ایران به مقابله با ترکیه یا خلافت عثمانی برخاست و مصر نیز در زمان «محمدعلی» به دلائل مختلف چنین کرد. مصر و ایران در برابر ترکیه قدرت های منطقه ای مهمی بوده و هستند. حال آنکه قدرت سوم، ترکیه، همواره در حال تغییر بوده است. بین ایران و مصر یک رابطه عمیق متکی بر دو تمدن بزرگ جریان داشته حتی در زمان بروز اختلاف میان دو طرف.

پیش از جنگ جهانی دوم اندیشه تازه ای در خاورمیانه پدید آمد توسط عرضه کنندگان فکر ایجاد اتحادیه عرب: یعنی «علی ماهر» و «عبدالرحمن عزام». این دو می خواستند مفهومی تازه از خاورمیانه ارائه دهند که از یکسو به سوریه از طریق «سینا» مربوط می شد و از سوی دیگر به ایران. مفهومی معنی یافته بر اساس تمدن های کهن، اما همچنان مصر و ایران صورت گرفت!

خبرنگار: اما ایران چنان قوی شد که به ژاندارم خلیج فارس تبدیل گردید.

هیکل: شاه این نقش را در چارچوب قدرت آمریکا بازی کرد. در حالی که الان نظام ایران ضد آمریکاست.

حدیث روزگار - ۲

مصاحبه هیکل در پاریس

استاد سید هادی خسروشاهی

یک فرصت تاریخی بسیار مهم قرار گرفته بودیم و یک اشتباه می توانست ما را وارد مشکلات سیاسی تازه ای سازد. با این همه کسی نمی خواست حرف مرا بشنود.

خبرنگار: آنچه که پیش آمد ضربه سختی بود بر آمریکا، آمریکا پایگاه قدرتمند اطلاعاتی خود را در ایران از دست داد. آیا این پایگاه پس از ضربه خوردن در تهران، کاملاً به قاهره منتقل شد؟

هیکل: من موافق این موضوع نیستم، این درست نیست که مرکز تمام فعالیت های آمریکا از تهران به قاهره منتقل شد. پس از سقوط شاه آمریکایی ها نگران اوضاع مصر بودند، با این نصیحت برای سادات که شتابزده عمل نکنند. با این همه این درست نیست که آنچه که در این بود به مصر منتقل شد. آنچه که از ایران خارج شد میان ترکیه و اسرائیل تقسیم گردید.

خبرنگار: به نظر من چون تلاش آنها در مورد تبدیل قاهره به تهرانی دیگر شکست خورد، آنان را به فکر آنکارا و تل آویو انداخت، چیزی که اثرات آن را امروز به وضوح می بینیم.

هیکل: آنها هرگز تلاش نکردند که قاهره پایگاه مرکزی شان باشد.

برای آنها قاهره یکی از نقاط ارتباط بود و طبع نقطه ارتباط، با پایگاه مرکزی فرق می کند. نقطه ارتباط برای عملیات محدودی است و پایگاه مرکزی برای عملیات نامحدود. مصر برای آنها مشکل بزرگی بود، چون گلوله ای متحرک در وضعی نگران کننده با نقش و اهمیتی نامحدود در جهان عرب، نقشی فعال و نه قابل کنترل، بر همین اساس آمریکا نمی توانست پایگاه مرکزی خود را در مصر مستقر سازد.

خبرنگار: آیا ایران ۲۰ سال پس از انقلاب تغییر کرده است؟ آیا افراطیون واپس نشسته اند؟ آیا الان می توانیم بر اساس قانون «مصلح» با حکومت ایران به تفاهم برسیم؟

هیکل: لطفاً پیش از هر چیز کلماتی مانند افراطیون و معتدلیان را دور بریزیم، چرا که ما این کلمات را با مفاهیم غیر از آنچه خود صاحبان این صفت ها مورد استفاده قرار می دهند، در نظر می آوریم. این کلمات در واقع صفت های قیاسی است و جز در شرایطی خاص مورد استعمالی ندارند!

این تنها وسیله تغییر اوضاع اجتماعی و اقتصادی در ایران بود. من به خمینی گفتم: من صدای توپ های شما را می شنوم... توپ های شما می توانند نظام گذشته را ویران کنند اما آیا می توانید نظام تازه ای بنا کنید؟ نظامی که اندیشمندان، کارشناسان، هنرآفرینان، اساتید دانشگاه و امثالهم در ساختن آن سهیم باشند؟ گفت: انقلاب اسلامی از داشتن فرزندی که کشور را بسازند محروم نیست.

پیش از سفر به ایران در فکر نوشتن کتابی بودم درباره آنچه که در ایران می گذرد. در تهران نگرانی بسیار درباره آینده کشور دیده می شد. انقلاب کشور را از کار انداخته بود. به قم رفتم. جایی که خمینی منتظرم بود. در قم خیابان ها مملو از مردمی بود که به حمایت از خمینی شعار می دادند. در دفتر او که نشسته بودم شعارهای ضدسادات از کوچه های اطراف به گوش می رسید. شعارهایی مثل مرگ بر سه مفسدین، کارتر و سادات و بگین! احساس نگرانی خودم را به احمد خمینی گفتم و او نزد پدرش رفت و امام به عربی پرسید: «می ترسید؟» گفتم «بله!» گفت: «مؤمن هرگز نمی ترسد!» گفتم: «من یک شهروند مصری هستم و به مصر برمی گردم. یک میلیون از اینها را با من بفرستید که بگویند مؤمن هرگز نمی ترسد!»

خبرنگار: به ویژه که شنیدم آنها سفارت مصر را نیز اشغال کردند.

هیکل: نه، فقط در مقابل آن تظاهرات کردند... البته این خلاصه ای از مصاحبه هیکل با امام در پاریس است که بخش هایی از مطالب آن در کتاب

(پس از فرستادن) دیگر به یاد نمی آورد و حتی یک بار هم درباره چنین نامه هایی با من حرفی نزد. به هر حال، این یعنی حضور مصر در ذهن خمینی در تمام مدت تبعید و این نشانه نیکی بود.



خبرنگار: و در این دیدار چه گذشت؟

هیکل: خمینی از موضع «الازهر» متعجب بود. شیخ وقت الازهر با انقلاب ایران مخالف بود. این حساسیت همیشه بین شیعه و سنی وجود داشته به خصوص در مورد اجتهاد. روحانیت تسنن همواره از نظر مالی وابسته به حکومت بوده، در حالی که روحانیت شیعه منابع مالی مستقلی نیز داشته است، از جمله از طریق میردان. و همین باعث استقلال بیشتر برای روحانیت شیعه شده است. در حالی که بیشتر روحانیون سنی کارمندان حکومت هستند. تا آنجا که قانون شناس و فقهی مثل عبدالرزاق السنهوری، بر اساس همین رابطه حکومتی، توانست بسیاری از موارد اجتهادی شیعه را در مصر به صورت قانون حکومتی در آورد. به هر حال شیخ آن زمان الازهر، «عبدالحلیم محمود»، فتواهای زیادی علیه انقلاب ایران و موضوع اولی الامر و ولایت فقیه منتشر کرد و امام خمینی متعجب بود که چرا؟ در ذهن او «الازهر یعنی شیخ شلتوت» و متعجب بود از حمایت دولت مصر نسبت به شاه؟

من می دانستم مشکلات زیادی در سیاست امریکا و نقش شاه در منطقه وجود دارد، سادات نیز درگیر این مشکلات بود. وقتی به مصر بازگشتم سعی کردم تفسیر روشنی از جریانات انقلاب ایران (به مقامات) بدهم اما حتی یک نفر هم نبود که بخواهد حرف مرا بشنود.

سرانجام انقلاب ایران به آستانه پیروزی کامل رسید و پرسش بزرگ این بود: آیا خمینی فوراً به ایران باز می گردد و در ایران از سیاست کناره خواهد گرفت و دولتی غیرروحانی تشکیل خواهد داد؟ این سؤال در آن زمان بسیار مهم بود. در آن زمان سادات در اسوان بود و شاه در راه سفر به اسوان. در اسوان شاه از سادات پرسید: شما درباره بازگشت خمینی به ایران چه اطلاعاتی دارید؟ سادات به شاه پاسخ روشنی نداد. شاه به او گفت در مطبوعات انگلیس خوانده است آخرین آدم سرشناسی که با خمینی ملاقات کرده است، من (هیکل) بوده ام. سادات گفت: ما سنتی داریم و آن اینکه هر کس از خارج به مصر باز می گردد، یک گزارش در مورد سفرش می نویسد... و بعد «مصطفی خلیل» تلفنی با من تماس گرفت. پس از او «سید مرعی» از من خواست گزارش سه صفحه ای درباره دیدارم با خمینی بنویسم و با خودم به اسوان ببرم. سیدمرعی گفت شاید این بتواند فرصتی باشد برای برطرف ساختن مسائل فیما بین سادات و من. پس از چندی مصطفی خلیل با من تماس گرفت و برای رفتن با هواپیمای رئیس جمهوری به اسوان از من دعوت کرد. برای من این سفر مشکل و تقریباً غیرقابل قبول بود. نمی دانستم سادات با موضوع من (درباره انقلاب ایران) چگونه برخورد خواهد کرد. با این همه فرصتی بود برای تشریح و حرف زدن و ترسیم اوضاع. ما در مقابل

خبرنگار: با این همه نقش ژاندارم خلیج فارس را بعد از انقلاب نیز دنبال می کند، از طریق صدور انقلاب دینی یا اندیشه و روح آن.

هیکل: نقش ژاندارم، در حال حاضر نقش ایران نیست. این نقش شاه بود که در چارچوب برداشت ویژه ای از منطقه و نیز در چارچوب استراتژی بین المللی انجام می داد که الان موردی ندارد.

بگذارید به طور کلی درباره ی نقشی که شاه ایران بازی کرد حرف بزنیم. به یاد می آوریم پس از جنگ جهانی دوم آمریکایی ها به منطقه آمدند. در خلال جنگ سرد یک پیمان نوشته محرمانه میان واشنگتن و مسکو وجود داشت که بر اساس آن مسکو پذیرفته بود خاورمیانه منطقه نفوذ آمریکاست. این را من از تمام رهبران شوروی سابق شنیده ام. آمریکایی ها در خاورمیانه برای تأمین منافع نفتی خود تلاش می کردند. شوروی هم قواعد بازی را درک می کرد، برای شوروی نیز مصالح مهمی در اروپای شرقی و آسیا وجود داشت، اما خاورمیانه را به آمریکا واگذار کرده بود.

ولی سرانجام آمریکا با جنبش های قدرتمندی در خود منطقه روبرو شد. در آغاز محمد مصدق و سپس جمال عبدالناصر... و زمانی که مصدق سقوط کرد خطر دیگری جز جمال عبد الناصر و دنیای عرب باقی نماند. آمریکایی ها بر آن شدند که این خطر را مهار کنند، با کمک به اسرائیل و به شاه ایران یا به ترکیه فکر نمی کردند چون آن را به عنوان پایگاهی علیه شوروی عملاً داشتند. در برخورد با اسرائیل روابط مصر و ایران نیز دگرگون شد. مردم ایران به عنوان قربانیان سقوط مصدق به جای ماندند. نیروهای انقلابی از تهران واپس نشستند. اما شهر مذهبی قم آنان را در آغوش کشید. همزمان با این رویدادها و گسترش نفوذ آمریکا در ایران، ملی گرایی در مصر رو به قدرت نهاد.

خبرنگار: اگر منظور شما این است که انقلاب عبدالناصر دنباله انقلاب مصدق است جدای از این چه چیز دیگری از همین دست بین دو کشور وجود دارد؟ هیکل: زمانی که خمینی را در پاریس ملاقات کردم او پرونده ای از نامه و متن سخنرانی های عبدالناصر با خود داشت که آن را در تمام سال های تبعید به همراه داشت و نیز مجموعه ای از فتوهای شیخ شلتوت درباره شیعه و اعلامیه های «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه». این پرونده را ابراهیم یزدی که بعدها وزیر خارجه شد به من نشان داد.

خبرنگار: همه اینها چه می گوید؟

هیکل: می گوید تجربیات تاریخی وجود دارد که مصر و ایران را به هم متصل می سازد با دشمن مشترک که پس از جنگ جهانی دوم در برابر منطقه پدید آمد، همان که با عملیات «آژاکس» شاه را از تبعید ۱۹۵۳ بازگرداند و عملیاتی مشابه با نام «شکار بوقلمون» که در سال ۱۹۶۷ علیه جمال عبدالناصر سازمان داده شده بود. ببینید، زمانی که انقلاب ایران شکست خورد، انقلاب مصر پدید آمد و زمانی که انقلاب در مصر از پای درآمد، در ایران انقلاب شد. و کسی در ایران بر سر کار آمد که عرب را همسایه مسلمین ایران می دانست و زبان عربی را به عنوان زبان دوم ایران برگزید.

اولین بار که امام خمینی را دیدم بر زمین کنار یک بخاری قدیمی نشستم.

قبلاً به ذهنم خطور نمی کرد که او را خواهیم دید و کتابی درباره ایران خواهیم نوشت - در زمانی که در پاریس با امام خمینی مصاحبه انجام دادم و پس از آن ابراهیم یزدی با من تماس گرفت و گفت که: «امام می خواهد تو را ببیند»، پذیرفتم. فکر می کرد من مشاور عبدالناصر بودم گفتم: خبر من دوست عبدالناصر بودم. به من نامه هایی را نشان داد که عبدالناصر برای او فرستاده بود. در حقیقت من از این نامه ها هیچ خبر نداشتم. شگفت زده شدم از اینکه او در سفر طولانی خود این نامه ها را همیشه با خود حمل کرده است. و من مطمئن هستم عبدالناصر این نامه ها را

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
شماره ۵	◀ شماره مسلسل ۱۵۲۳
پادمان	◀ نیمه اول خرداد ۱۳۹۵
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

ای نداشت و در همین حادثه ۷۰۰ قطعه عکس و ضبط صوت هم مفقود شد و تلاش من برای به دست آوردن مجدد آنها به نتیجه نرسید.

۴- در دیدار حضوری نکته ای را در مورد شادروان سید جلال آشتیانی بیان فرمودید؟ موضوع به سال های ۱۳۳۴ یا ۱۳۳۵، یعنی بعد از کودای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برمی گردد، که منجر به بازداشت آن مرحوم شد. متأسفانه دراسناد تاریخی نهضت مقاومت ملی که در اختیار دارم، گزارش این امر را پیدا نکردم. خلاصه آن به قرار زیر است:

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه چندین بار اظهار علاقه کرده بود که با مرحوم آیت الله بروجردی دیدار داشته باشد، اما ایشان امتناع داشت. صدر الاشراف که هم با شاه بسیار نزدیک بود و هم به مراجع، به قم و به دیدار آقای بروجردی رفت تا ایشان را قانع سازد که اگر شاه برای زیارت به قم آمد، آقای بروجردی ایشان را ببیزد. آقای بروجردی پاسخ داده بود که شاه اگر بیاید، از قم خارج خواهد شد. در واقع صدر الاشراف به دیدار آقای بروجردی رفت تا درباره روابط شاه با مراجع با ایشان گفتگو کنند. مرحوم سید جلال آشتیانی، که با آیت الله بروجردی بسیار نزدیک بود در این دیدار حضور داشت - این دیدار ظاهرا بعد از دستگیری و اعدام رهبران فدائیان اسلام و کشتار سایر فعالان سیاسی صورت گرفت. مرحوم بروجردی به شدت به سیاست ها و عملکردهای دولت و شاه اعتراض می کنند و این که شما - حکومت شاه در ارتکاب جنایات روی کمونیست ها را سفید کرده اید، مرحوم سید جلال، مشروح این مذاکرات را مکتوب کرده و توسط مرحوم آیت الله حاج سید رضا زنجانی، یا مرحوم میرسیدعلی رضوی قمی، که در روحانیان فعال ضدکودتا و طرفدار مصدق بودند، برای نهضت مقاومت ملی می فرستند. خبر این دیدار و مذاکره در نشریات نهضت مقاومت ملی منتشر گردید. و همین امر موجب بازداشت آقای سید جلال آشتیانی گردید.

برای پیدا کردن اصل این گزارش چاپ شده به اسناد مراجعه خواهم کرد. در صورتی که پیدا کردم آن را برای شما خواهم فرستاد.

موفق و موید باشید
ابراهیم یزدی - تهران - ۸۶/۴/۳۱
... این بود تصحیح تاریخ و تکمیل و توضیح لازم توسط آقای دکتر یزدی - شاهد عینی موضوع که برای روشن شدن حقیقت بررسی آن ضروری بود به ویژه که نویسنده آن یک شخصیت مطبوعاتی معروف و بین المللی است و دیگر نویسندگان به آثار و تألیفات نامبرده، در نوشتن تاریخ مراجعه می کنند...

منبع : **روزنامه جمهوری اسلامی** - شماره ۱۰۵۶۱۱ - پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۵

در نامه خود نقل کرده اید، و نیز در صفحه ۱۰ روزنامه نیمروز (لندن) شماره ۴۲۴ - مورخه ۷۶/۴/۲۰، که کپی آن را ارسال فرموده اید، نکات خلاف وجود دارد که لازم است به آنها اشاره کنم:

۱- دیدار آقای حسنین هیکل با آقای خمینی در نوفل لوشاتو، بر طبق درخواست خود ایشان بود، نه درخواست آقای خمینی. آقای خمینی از من نخواستہ بودند که از ایشان برای مصاحبه با آقای خمینی دعوت به عمل آید و من هم چنین در خواستی را از آقای هیکل نکرده ام. ۲- در دیدار و مصاحبه آقای حسنین هیکل با آقای خمینی، مطلبی که توجه و تمایل و علاقه ویژه آقای خمینی را به جمال عبدالناصر نشان بدهد، مطرح نگردید و آقای خمینی بسته ای که حاوی نامه های جمال عبدالناصر به ایشان باشد و آنها را همراه خود نگهداری کرده باشند! ارائه ندادند. این موضوعات صحت ندارند. تردیدهای جدی مبنی بر مکاتبه میان آقای خمینی و جمال عبدالناصر وجود دارد. چنین نامه هایی اگر وجود می داشت، حاکی از روابط نزدیک و صمیمانه میان این دو شخصیت می بود، در حالی که آقای خمینی اصولا اعتقاد، توجه و علاقه ای به ملی گرایی، اعم از ایرانی یا عربی آن، نداشته اند. اگر آقای خمینی توجهی را که آقای حسنین هیکل مدعی آن است، به جمال عبدالناصر داشت، قطعاً در مصاحبه ها و گفتارهای ایشان منعکس می شد.

۳- تا آنجا که به خاطر دارم آقای هیکل تنها یک بار در پاریس با آقای خمینی ملاقات داشته است که من هم حضور داشتم. در این ملاقات، علاوه بر من، آقایان حاج احمد آقا و آقای سید حسین خمینی و احتمالا مرحوم اشراقی نیز حاضر بودند. در ابتدا، آقای هیکل پرسش های خود را به عربی مطرح ساخت. آقای خمینی به من اشاره کردند و پرسیدند که او چه می گوید؟ آقای خمینی با عربی کلاسیک آشنا بودند، در حالی که هیکل به زبان محاوره رایج اعراب - مصر - سخن می گفت. من به دلیل اقامت دو ساله ام در مصر و لبنان در سال های ۱۹۶۴ - ۱۹۶۶ با زبان محاوره رایج اعراب آشنایی داشتم. بنابراین پرسش های آقای حسنین هیکل را از عربی به فارسی ترجمه کردم، آقای خمینی جواب ها را به فارسی می دادند. اما تسلط من به زبان عربی در حد فهم گفتگوها بود، ولی نمی توانستم مطالب را از فارسی به عربی برگردانم. بنابراین پاسخ آقای خمینی به سئوالات هیکل را انگلیسی ترجمه می کردم. بعد از دو یا سه پرسش، هیکل پرسش های خود را نظیر هر خبرنگار و یا شخصیت دیدارکننده خارجی، به انگلیسی مطرح ساخت و من بعد از ترجمه آنها به فارسی، پاسخ های آقای خمینی را به انگلیسی به او برمی گرداندم.

متن کم و بیش کامل این مصاحبه اولین بار توسط آقای سید حسین خمینی در اختیار مطبوعات ایران قرار گرفت (بعد از انقلاب) و منتشر شده متن کامل این مصاحبه در دفت روزانه من ثبت شده است. اما متأسفانه، در تجاوز به منزل مسکونی ام، در غیاب من و یا همسرم، در سال ۱۳۸۰ این دفتر به سرقت رفت و پی گیری و اصرار من - توسط مقامات مربوطه - در طی دو سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ برای برگرداندن این دفترها، فایده

کرده است و من مطمئن هستم عبدالناصر این نامه ها را - پس از فرستادن - دیگر به یاد نمی آورده و حتی یک بار هم درباره چنین نامه هایی با من حرفی نزد...!!» همان طور که ملاحظه می کنید هیکل مدعی است که امام خمینی (ره) «نامه ها و متن سخنرانی های عبدالناصر» و «فتواهای» شیخ شلتوت را همراه خود داشته و جنابعالی آنها را به او نشان داده اید؟... و البته چند سطر پایین تر مدعی است که شما او را برای دیدار مجدد با امام، دعوت کرده اید و... این بار مدعی است که خود امام خمینی، نامه ها را به او نشان داده است! و عجیب آنکه آقای هیکل که از همه اسرار و رموز و کارهای عبدالناصر آگاه است و کتاب «عبدالناصر و العالم» را می نویسد، اطلاعی از نامه های وی به امام نداشته؟ و گویا خود ناصر هم آنها را فراموش کرده است!... (و به نظرم دلیل این فراموشی آن بوده که اصولا نامه ای نوشته نشده بود تا به یاد داشته باشند!)

از سوی دیگر می دانیم که مرحوم شیخ محمود شلتوت بیش از یک فتوا درباره «جواز تعبد به مذهب شیعه» نداشته و دارالتقرب قاهره هم هیچ وقت «اعلامیه» صادر نکرده بلکه ۶۰ شماره از فصلنامه «رساله الاسلام» را منتشر ساخته که حمل و نقل آن به طور طبیعی برای هیچ کس مقدرو نیست و از سوی دیگر هیچ نامه ای هم از عبدالناصر در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - که همه نامه های وارده را در بایگانی خود دارد - موجود نیست.

بهر هر حال انتظار آن است که شرح ماجرا و خلاصه ای از مصاحبه هیکل با امام را که با حضور و ترجمه جنابعالی به عمل آمده است، برای ثبت در تاریخ، مرقوم دارید.

با تشکر و احترام
سید هادی خسروشاهی - ۸۶/۴/۲۰ - تهران

تذکار
در مورد حادثه مربوط به مرحوم علامه بزرگوار استاد سید جلال الدین آشتیانی و بازداشت ایشان توسط ساواک، پس از گزارش مکتوب ایشان به دوستان مقاومت ملی در رابطه با ملاقات صدر الاشراف با آیت الله بروجردی و عدم پذیرش شاه توسط ایشان، اگر توضیحی برای روشن شدن تاریخ، ارائه نمایید ممنون خواهم بود، به ویژه که مرحوم آشتیانی در نامه ای به اینجانب، به این موضوع اشاره دارد و بعضی از دوستان نهضت مقاومت ملی را مشکوک و یا غیرقابل اعتماد، می نامد و چون من متن نامه ایشان را در «حدیث روزگار» خاطرات مربوط به ایشان آورده ام، بسیار بجا خواهد بود اگر توضیحی باشد تا در آن مجموعه برای تصحیح و تکمیل تاریخ، نقل گردد.

با احترام مجدد - خسروشاهی
و اینک پاسخ و توضیح آقای دکتر یزدی:
به نام خدا
جناب آقای سید هادی خسروشاهی
با سلام و با آرزوی جلب رضایت حق و خدمت به ایران و اسلام
نامه مورخه ۸۶/۴/۲۰ جنابعالی دریافت شد. در مصاحبه ومطالب منتشر شده آقای حسنین هیکل، که

«مدافع آیت الله» هم آمده است و در هر حال و در کُلّ، دارای نکات مثبت و ارزشمندی است.

اما همانطور که اشاره کردم در مواردی به وضوح به نظر می رسد که حقایق آن طور که رخ داده، نقل نشده و اضافاتی از قماش همان «جعل حدیث»!هایی است که در صدر اسلام رواج داشت و محصول آن هزاران حدیث مجعول در کتب احادیث شیعه و سنی و پیدایش حداقل یکصد و پنجاه صحابی غیر موجود و ساختگی شده است که علامه سید مرتضی عسکری - در کتاب گرانسنگ «ماه و خمسون صحابی مختلف - به توضیح آن پرداخته است...

در این زمینه، اینجانب به نوبه خود که به «تصحیح تاریخ معاصر» علاقه دارم، چند سال پیش از شاهدان عینی حوادث نظرخواهی نمودم که خوشبختانه پاسخ و توضیح لازم صادقانه، مکتوب و دریافت شد که در اینجا، برای «اصلاح تاریخ» به نقل و ثبت آن می پردازیم.

یعنی در این رابطه من نامه ای در سال ۱۳۷۶، به برادر ارجمند جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی که خود شاهد و ناظر امر بود نوشته و توضیح خواستم که متن نامه و توضیح ایشان که به قرار زیر است، میتواند روشنگر بخشی از حقایق گردد:

هو الحق
برادر گرامی جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی حفظه الله با سلام و درود؛ محترماً اشعار می دارد: پیرو مذاکره حضوری، بخشی از مصاحبه آقای محمد حسنین هیکل، سردبیر اسبق روزنامه الاهرام مصر و تاریخ نگار معاصر، مندرج در هفته نامه لندن «نیمروز» شماره ۴۲۴ - سال نهم - مورخ جمعه ۲۰ تیرماه ۱۳۸۶، صفحه ۱۰، نیاز به روشن شدن دارد که امیدوارم مانند مسئله قبلی - موضوع حرکت سماع و حضور جمعی از برادران از جمله شهید چمران برای آموزش های چریکی در مصر که در این باره توضیحی کتبی مرقوم و به اینجانب هنگام اقامت در قاهره، ارسال داشتید - توضیح لازم را در این زمینه هم مرقوم دارید. البته توضیح مورد اشاره - موضوع سماع - در کتاب «امام خمینی و جمال عبدالناصر» همراه با اسناد و مدارک در قاهره و تهران منتشر گردید.

در مصاحبه هیکل چنین آمده است:

«... زمانی که -امام - خمینی را در پاریس ملاقات کردم او پرنده ای از نامه ها و متن سخنرانی های عبدالناصر را با خود داشت که آن را در تمام سال های تبعید به همراه داشت و نیز مجموعه ای از فتواهای شیخ شلتوت درباره شیعه و اعلامیه های دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه... این پرنده را ابراهیم یزدی که بعدها وزیر خارجه شد، به من نشان داد...» هیکل سپس می افزاید:

... در زمانی که در پاریس با - امام - خمینی مصاحبه انجام دادم و پس از آن ابراهیم یزدی با من تماس گرفت و گفت که امام می خواهد تو را ببیند؟ پذیرفتم. خمینی فکر می کرد من مشاور عبدالناصر بودم. گفتم: خیر، من دوست عبدالناصر بودم. به من نامه هایی نشان داد که عبدالناصر برای او فرستاده بود و در حقیقت من از این نامه ها هیچ خبری نداشتم. شگفت زده شدم از اینکه او در سفر طولانی خود این نامه ها را همیشه با خود حمل

سردار سلیمانی تبیین کرد: نقش تعیین کننده حزب الله در منطقه

حمله به کویت که منجر به سقوط وی شد، از طرف دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس که در این جنگ همکاری می کنند که البته اگر پیروز می شدند جنگ بزرگ تری در منطقه رخ می داد با این حال نتیجه این جنگ جز آشوب در منطقه استراتژیک یمن که محل اتصال دریاهای بزرگ است نیست.

وی در ادامه گفت: باید گفت کمتر جامعه ای است که یک میلیون نفر رزمنده داشته باشد که امروز این تعداد مشتاق عبدالملک حوثی رهبر خود هستند اما در نهایت سرنوشت یمن مثل افغانستان رقم خواهد خورد مانند همان هرج و مرجی که پاکستان را به هم ریخت؛ زمانی پیش از شهادت احمدشاه مسعودو حادثه ۱۱ سپتامبر بود که به پاکستان رفتم تادر خصوص طالبان صحبت کنیم اما جواب سربالا گرفتیم لذا امروز می بینیم که آنهایی که می خواستند رهبری عالم اسلام را داشته باشند خود امروز وضعیت نابسامانی دارند و فلج شده اند از این رو وضعیت یمن نیز به همین ترتیب است و هرجا که با کمک آمریکا تخریب شد دیگر درست نمی

ادامه از صفحه اول

*** برکت وجود آیت الله سیستانی نیازی به مداخله ما در جنگ‌های داخلی عراق نمی‌گذارد**

وی در ادامه با بیان اینکه وجود مبارک آیت الله سیستانی ما را از هر دخالتی بی نیاز کرده، عنوان کرد: ما زمانی وارد عمل می شویم که مرجعیت حاکم عراق نیاز سیاسی و بین المللی داشته باشد لذا باید به کلیات فلوجه هم اشاره ای کنم که عموما خودروها با دو چهره مهم یعنی مقام معظم رهبری و آیت الله سیستانی آراسته می شوند در حالی که ما قصد نداشتیم این حملات به ما منتسب شود و این کار از روی علاقه بود.

سردار سلیمانی در ادامه حمله به یمن را دیوانگی محض دانست و گفت: مطمئنا این حمله چیزی جز شکست برای سعودی ندارد و یکی از خطاهای بارز دشمن بود چنانچه پیش از آن کسی اطلاعی از زیدی ها نداشت اما با همین حملات موجب شد آنها رشد کردند لذا این جنگ از الزامات منطقه بود مثل مستی صدام در

داریم که در این خصوص نقش مجلس نیز بی بدیل است که لازم است به کارکردهای مجلس نیز اشاره شود.

وی ادامه داد: تسهیل تصمیم گیری اثر جدی در بسیج امکانات دارد که عمدتاً برعهده ریاست مجلس است و به قانون شدن امور در این زمینه کمک بسزایی می کند و نقش خاصی دارد همچنین نقش مجلس در قانونمند کردن بسیج امکانات و تجهیزات در راستای رسیدن به اهداف نظام اساسی است و هرجا ایستادگی کرده توانسته بر دولت تأثیر گذاشته و جهت دهی در مردم داشته باشد.

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: از مجلس دهم خواهشمند در جاهایی که باید به سیاست خارجی کمک شود این همکاری را داشته باشند چرا که نقش آنها گاهی از وزارت خارجه نیز مهم تر است همچنین تشکل های اسلامی بین المللی که مجلس در آن حضور دارد مثل بین المجالس تقویت شود از سوی دیگر لازم می دانم در پایان از دکتر لاریجانی که حامی ما بود تشکر کنم.

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت
◄ شماره ۵
◄ شماره مسلسل ۱۵۲۳
◄ نیمه اول خرداد ۱۳۹۵
پست الکترونیک: besatonline@gmail.com

تصمیم شورای رهبری جنبش اسلام‌گرای «لنّهضه» در تونس برای جداکردن فعالیت‌های سیاسی از فعالیت‌های مذهبی و ارشادی، بحث و جدل‌های زیادی را به دنبال داشته است، از جمله اینکه عوامل، اهداف و پیامدهای این اقدام چه بوده یا خواهد بود.

رهبران حزب لنّهضه بر این تأکید دارند چنین اقدامی یک گام جدید و مهم در روند حرکت این تشکل تلقی می‌شود. روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ ماه جاری میلادی قرار است دهمین کنگره این حزب برگزار شود. شورای رهبری لنّهضه می‌گوید مهم‌ترین شعار مرحله کنونی اصلاح اوضاع داخلی این جنبش است، زیرا قصد دارد در آینده اصلاحات بزرگ‌تری را در کشور رهبری کند.

جنبش لنّهضه در سال ۱۹۷۲ به نام «الجماعه‌الاسلامیه» شروع به کار کرد و بعد نام خود را به «حرکه الاتجاه الاسلامی» و در سال ۱۹۸۹ به «حرکه لنّهضه» تغییر داد. جنبش لنّهضه در دو دوره ریاست‌جمهوری «حبیب بورقیه» و «زین العابدین بن‌علی»، در معرض سرکوب‌های متعددی قرار گرفت. اعضای آن برای سال‌های طولانی از کشور مهاجرت کردند تا اینکه با پیروزی انقلاب تونس در سال ۲۰۱۱ و سرنگونی نظام بن علی، دوباره به تونس بازگشتند. لنّهضه

جدایی «راشد الغنوشی» از اخوان المسلمین

بین ما و شماست.
ترویسِم اسلامی‌ای که از پاکستان یا موریتانی یا عربستان می‌آید، در تونس دنبال چیست؟ آیا جز اینکه کشور ما را می‌خواهند ویران کنند و ساکنانش را به قتل برسانند؟

شما را به خدا قسم می‌دهم برای آخرین بار هم که شده به واقعیت‌ها اعتراف کنید. به جای توجه به سران‌تان، به واقعیت‌ها بنگرید و از خودتان بیرسید چرا هر کدام‌تان چند گروه شده‌اید. شمایی که انتظار داشتید ملت‌ها در آغوش‌تان بگیرند، چرا در کشورهای مختلف منزوی شدید؟ بدون داشتن یک هویت ملی نمی‌توان انتظار داشت ملت‌ها شما را در آغوش بگیرند. به کجا می‌روید؟ (این تذهیب؟). ما در تونس پیامی روشن به شما دادیم، دولت را گرفتیم اما انتخابات را باختیم. کسی که ما را هدایت کرد فقط ملت تونس بود. آن چیزی را که ما به ملت تونس داده بودیم دارای کاستی‌هایی بود. این نیروهای خارجی نبودند که برای سرنگونی ما آمدند، بلکه اشتباهات و برداشت‌های خودمان بود که حاصلش را دریافت کردیم. سران آمریکا، روسیه یا دیگران نبودند، خطاهای خودمان بود. ما در تجربه جدیدمان اشتباه کرده بودیم و ملت تونس ما را تنبیه کرد. اگر واقعا جدی بوده و ادعا می‌کنیم رسالتی داریم، باید از این تجارب استفاده کرد.

هر کشوری یا میهنی را به حال خود و اهلش واگذارید. بگذارید هر پیامدی می‌خواهد داشته باشد. اگر شما باختید، پس بدانید شما هم شبیه همان نظام‌های حاکم بودید. اگر ملت، شما را نپذیرفت و به خشونت متوسل شدید، پس هیچ چیزی تغییر نکرده است. شما پیام جدیدی برای ملت‌ها ندارید. بلکه بر عکس مردم به شما دقیقا مانند گذشتگان می‌نگرند. ملت‌ها برای ایجاد تغییرات آرمان‌هایی داشتند که همه ناکام ماند و شما مسئول آن هستید. متأسفانه تجربه مصر همین را نشان می‌دهد اما شما تاکنون آن را ارزیابی نکرده و از آن درس‌های لازم را نگرفته‌اید. پنج سال است که در سوریه جنگ شده، همه جهانیان از این جنگ درس آموخته و عبرت‌ها گرفتند به جز شما. به کجا می‌روید؟

در پایان می‌خواهم به‌روشنی به اطلاع شما برسانم ما در تونس تصمیم گرفتیم حضورمان را در اجلاس شما لغو کنیم؛ زیرا این نشست‌های روتینی بیشتر از آنکه سودمند باشد، مضر است. از عقلای شما و افراد واقع‌نگر‌تان می‌خواهم به برنامه‌ها و راهکارهایی که شما را متحد کند نه متفرق، بیندیشند؛ برنامه‌هایی که موجب جذب افراد به شما شود نه نفرت از شما. هیأت تونسی بعد از قرائت این نامه، نشست شما را ترک خواهد کرد. ما اعلام می‌کنیم از این پس در چنین نشست‌هایی حضور نخواهیم داشت.»

مسیر جدید حزب «النّهضه» تونس

لنّهضه در ابتدای دهه ۷۰ قرن گذشته حرکت اعتقادی خود را شروع کرد اما در سال ۱۹۸۱ به عرصه سیاسی و حزبی روی آورد. در اواخر دهه ۸۰ این جنبش به مسیر کنونی افتاد که هم‌اکنون در آن قرار دارد.

اکنون اتخاذ چنین تصمیمی به دلیل ورود به شرایط جدید کشور است؛ زیرا در گذشته ما با یک نظام تمامیت‌خواه روبه‌رو بودیم اما امروزه لنّهضه به سمت کار تخصصی در چارچوب «حزبی مدنی» پیش می‌رود که تنها انکایش بر مرجعیت و مبانی اسلامی و عربی است. به گمان عبدالسلام، جوامع جدید همه به سمت تخصصی کردن کارها پیش می‌روند.

این مسئله احزاب سیاسی را هم ناگزیر خواهد کرد تا به سمت تخصصی‌شدن بروند. امروزه در تونس یک جامعه مدنی و یک دولت دموکراتیک وجود دارد. از آن گذشته قانون اساسی تونس با ترکیب کنونی به همه اجازه می‌دهد کار حزبی و کار مدنی را به صورت توأم داشته باشند. عبدالسلام می‌افزاید تصمیم به جداکردن فعالیت سیاسی و اعتقادی طرحی است که از یک‌ونیم سال پیش تاکنون در درون حزب روی آن بحث شده است. حال رهبران حزب به این نتیجه رسیده‌اند که باید سیاست‌های جدیدی را اتخاذ کنند.

«محم‌دبن‌المختار الشنقیطی»، استاد اخلاق سیاسی و ادیان تطبیقی در دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه «محدبن‌خلیفه»، با استقبال از تصمیم لنّهضه، می‌گوید:

جنبش‌های عربی اخیر، از کشور کوچک تونس در شمال آفریقا آغاز شد. این حرکت به‌سرعت به توفانی تبدیل شد که سرنوشت تعدادی از رژیم‌های خودکامه عربی را رقم زد. در آن زمان، کمتر کسی تصور می‌کرد خودسوزی جوانی دست‌فروش، به‌سرعت قیامی فراگیر شده و منشأ چنین تحولی در تونس شود. وجه‌میزه این کشور کوچک شمال آفریقا، فقط پیشگامی در قیام مردم و براندازی نظام دیکتاتوری زین‌العابدین بن‌علی نبود. مهم‌تر از آن، تونس تنها گل روییده و مانا در کویر جنبش‌هایی بود که امروز پس از گذشت پنج سال، اطلاق «خزان عربی» به آنها چندان بی‌مسما نیست؛ چراکه محصول نهایی این تحول در دیگر کشورهای عربی، بازتولید دیکتاتوری نظامیان (مصر)، آشوب و ناامنی (لیبی، یمن، و …) و جنگ داخلی در سوریه، پیش‌روی ماست. سؤال این است: چگونه کشوری با نزدیک‌ترین فاصله جغرافیایی و بیشترین ارتباطات فرهنگی با کشورهای شمال مدیترانه، بعد از نیم قرن حکومت خودکامه حبیب بورقیه و بن‌علی، با هزینه‌ای اندک مرحله دشوار گذار از انقلاب به استقرار سیاسی را پشت سر گذاشت و با برگزاری چند انتخابات موفق وارد مرحله دولت-ملت‌سازی شده و در دنیای پرآشوب منتج از بهار عربی به نماد و الگویی موفق در مردم‌سالاری تبدیل شود؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به دو مؤلفه مهم اشاره کرد. نخست عقلانیت رهبران جایگزین بن‌علی و در رأس آن «راشد الغنوشی» رهبر حرکت اسلام‌گرای لنّهضه که یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین دلایل این تحول آرام بود. حرکت لنّهضه به‌عنوان جنبشی اسلام‌گرا و عضوی از خانواده اخوان‌المسلمین، با درک درست از جامعه متکثر تونس، تسامح، مدارا و بردباری را برای گذار از این مرحله در پیش گرفت و به قواعد مردم‌سالاری و گردش قدرت از طریق صندوق‌های رأی تن داد. برخلاف اخوان مصر، دین را به ابزاری برای رسیدن به قدرت تبدیل نکرد و آینده کشور را بر منافع حزبی ترجیح داد. عامل دوم بلوغ سیاسی و پابندی نخبگان سیاسی و اکثریت احزاب به اصول و قواعدی که ضامن حفظ یکپارچگی کشوری با تنوع و تکثر فرهنگی و پلورالسیم سیاسی، از دیگر عوامل بود. همین امر باعث شد گنجاندن عبارت «اسلام به عنوان دین کشور و زبان عربی به عنوان زبان ملی» در قانون اساسی نظام جدید، بی هیچ مشکلی به پذیرش قاطبه احزاب سیاسی درآید. اکنون پس از گذشت پنج سال از این تجربه موفق، راشد‌الغنوشی در تحولی غیرمنتظره در جریان دهمین کنگره سراسری «حرکت لنّهضه» اعلام کرده حزب متبوع وی از یک جنبش ایدئولوژیک به یک حزب دموکراتیک ملی تحول یافته و قصد دارد دین را از مبارزات حزبی دور نگه

«منطق سیاست با منطق ارشادی-اعتقادی تفاوت دارد، وقتی احزاب اسلام‌گرا این دو را در هم می‌آمیزند تا هم فعالیت سیاسی کند و هم کار اعتقادی، به هر دو آسیب می‌رسانند. از آن گذشته جهان وارد دوران «پایان دولت‌های تمامیت‌خواه و احزاب تمامیت‌خواه» شده است.

به گفته او، جنبش‌های اسلام‌گرا باید این دو کار را از هم تفکیک کنند تا بتوانند تخصص لازم را به دست آورند، به‌ویژه اینکه جوامع کنونی نیازمند مناطقی امن هستند که خارج از کشمکش‌های حزبی یا دعواهای سیاسی باشد. به نظر الشنقیطی، موضوع جدایی فعالیت‌های سیاسی از اعتقادی در یک جنبش اسلامی، تجربه‌ای است که سال‌ها پیش مراکشی‌ها آن را آزموده‌اند. حتی در دولت‌های غربی نظیر ایالات متحده آمریکا جمعیت‌های خیریه‌ای وجود دارد که از حزب جمهوری حمایت می‌کند، اما هرگز به صورت مستقیم وارد فعالیت‌های سیاسی نمی‌شود.

این تصمیم‌گیری، تاکتیک جدیدی است؛ تاکتیکی که بیشتر از تحولات داخلی و منطقه‌ای نشئت می‌گیرد. البته برخی از ناظران می‌گویند این جداسازی می‌تواند مشکلاتی را هم به همراه داشته باشد؛ برای مثال «کمال الشارنی»، نویسنده و روزنامه‌نگار تونسی، می‌گوید آیا جنبش لنّهضه می‌تواند هم‌بستگی داخلی و تاریخی و انضباط تشکیلاتی خود را حفظ کند یا ممکن است دچار شکاف شود؟ این پرسشی است که برای پیداکردن جوابش باید منتظر آینده بود.

تونس؛ تنها موفقیت «بهار عربی»

دارد. او تأکید کرده که این رویکرد می‌تواند بهترین حالت هم برای سیاست و هم برای مذهب و ضامن تداوم آنها در جامعه‌ای دموکراتیک باشد؛ اما چگونه یک جنبش سیاسی با عیار مذهبی پررنگ به چنین رویکردی تن در می‌دهد و آیا می‌توان آن را در مقوله تجدیدنظرطلبی تحلیل کرد؟

اول: راشد الغنوشی به عنوان متفکر تواندیش مسلمان با کوله‌باری از تجربه سیاسی و بیش از دو دهه زندان و تبعید، نمونه‌های فراوانی از ضعف و کاستی‌های حرکت‌های اسلامی را فراوری خود دارد. او با هوشمندی می‌خواهد مانع تکرار تجربه‌های تلخ و خونین دو دهه در بین حرکت‌های به‌شدت افراطی شود که با اعمال خود به چهره اسلام در سطح جهان ضربه زده است.

دوم: رهبری حرکت لنّهضه با بررسی موشکافانه سرنوشت حرکت‌های اسلامی اعم از اخوان‌المسلمین یا گروه‌های افراطی در دو دهه گذشته به این نتیجه رسیده که تفکیک فعالیت‌های سیاسی از مذهب (و نه جدایی دین از سیاست)، ضرورتی گریزن‌ناپذیر برای حفظ و تحکیم اعتقادات هواداران حزبی و قاطبه مردم از افت‌وخیزهای سیاسی است. از این منظر برخلاف گمانه‌زنی برخی از تحلیلگران این امر نه به‌معنای فاصله‌گرفتن حرکت لنّهضه از اسلام سیاسی که واگذاری آگاهانه فعالیت‌های مذهبی به بخش دیگری از حزب که فارغ از فرازونشیب‌های دنیای سیاست و احترام به آرا و عقاید مردم است.

سوم: لنّهضه که تجربه پیروزی در اولین انتخابات پس از سرنگونی بن‌علی و به‌دست‌گرفتن قدرت و شکست در برابر حزب تازه‌تأسیس ندای ملت در دومین انتخابات را پیش‌روی دارد، با این اقدام در سطح داخل درصدد مصون‌کردن دین و باورهای دینی مردم در توفان‌های دنیای سیاست است تا ناکارآمدی دولتمردان و مشکلات اداره کشور به حساب اسلام و اعتقادات پاک دینی مردم نوشته نشود. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی این رویکرد اعلام برائت از همه اقدامات خشونت‌باری است که تحت لوای اسلام برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیست و سنجیتی با مردم‌سالاری ندارد. رویکرد خردمندانه و درایت سیاست‌مداران مذهبی، ملی و سکولار تونس نشان داد که اولویت رهبران سیاسی تونس فارغ از وابستگی‌های حزبی، خارج‌کردن کشور از مرحله ملتهب پس از فروپاشی رژیم، تثبیت نتایج انقلاب مردم از طریق ایجاد نهادهای دموکراتیک، تثبیت و استقرار نظام سیاسی و حرکت در مسیر توسعه برای تضمین آینده مردم و جوانان تونس است.

جاوید قربان‌اوغلی

مدیرکل وزارت خارجه دولت اصلاحات

رئیس مجمع علمای اهل تسنن عراق: آیت الله سیستانی عامل وحدت ملت عراق است

«شیخ خالد الملا» رئیس مجمع علمای اهل تسنن عراق در مراسم دومین سالروز فتوای جهاد کفایی که از سوی حجت الاسلام کشمیری نماینده حضرت آیت الله سیستانی در لندن برگزار شد، گفت: در حالی که داعش به اشغال شهرهای عراق پرداخته و در سایه اختلاف سیاستمداران برای رسیدن به پست و مقام در تلاش برای رسیدن به بغداد بود، حضرت آیت الله سیستانی از ملت خواست از عراق و عراقی ها و مقدسات دفاع کنند و شهروندان نیز به این خواسته لبیک گفتند تا روند توطئه های تروریستی تغییر کرده و به ناکامی برسند. وی افزود: با صدای بلند می گوئیم که حکمت و درایت حضرت «آیت الله سیستانی» سبب روند صحیح در جامعه شد و از نعمت های الهی برای عراق است؛ این مرجع تقلید نه تنها در عراق بلکه از سوی جامعه جهانی و سازمان های حقوق بشر به دلیل مواضع پدرانۀ و حکیمانه به عنوان مردی بزرگ و جلیل الشان تلقی می شود.

خالد الملا تصریح کرد: جمعی از علمای اهل تسنن نیز در کنار حضرت آیت الله سیستانی ایستادند و خطر و انتقادهای زیادی در راه نجات و وحدت عراق و جلوگیری از سرقت دین و مذهب متحمل شدند. این عالم اهل تسنن با اشاره به گسترش انفجار و قتل بر اساس مذهب و انفجار بارگاه های مقدس به ویژه حرم امامین عسکریین(ع) ادامه داد: این مرجع تقلید با وجود همه این مشکلات هیچگاه بیانبیه ای طایفه گرانه صادر نکرد بلکه پس از سقوط موصل و صلاح الدین که اکثریت ساکنان آن را اهل تسنن تشکیل می دهد، فتوای جهاد کفایی را صادر کرد تا این شهرها از لوٹ تروریسم آزاد شوند.

وی خاطرنشان ساخت: بنده چندین بار افتخار دیدار با ایشان را داشتم و چیزی جز حُب نسبت به عراق و ملت از ایشان ندیدم؛ این مرجع تقلید هیچگاه میان پیروان مذاهب اختلاف قائل نشده و با وجود مشغله زیاد از مردم استقبال کرده است و رخدادهای روزانه را کاملا زیر نظر دارد.

رئیس مجمع علمای اهل تسنن، فتوای جهاد کفایی را عامل وحدت ملت عراق علیه داعش خواند و تأکید کرد: حضرت آیت الله سیستانی توانست عراق را از جنگ مذهبی دور ساخته و به عنوان پدر ملت به همگان بدون تفاوت بنگرد؛ هم اکنون نیز نیروهای امنیتی و بسیج مردمی و عشایر اصیل عراق به دفاع از وطن پرداخته اند و علمای حکیم نیز مردم را راهنمایی می کنند.

شیخ الأزهر:

شیعه و سنی دو بال اسلام هستند

به گزارش خبرگزاری تقریب (تنا) به نقل از العرب الآن، شیخ «احمد الطیب» رئیس دانشگاه الأزهر مصر در نشست علمای مصر و اندونزی گفت: شیعه و سنی دو بال اسلام هستند و باید بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شوند.

وی از همه خواست به اسلام اصیل و روح فرهنگ اسلامی بازگردند، فرهنگی که به مهربانی و گذشت فرا می خواند.

شیخ الازهر گفت: کافر دانستن شیعه جایز نیست زیرا اختلاف بین شیعه و سنی در فروع است نه در اصول و اشتراکات دو طرف، بسیار بیشتر از اختلافات است و جایز نیست به دشمنان فرصت دهیم تا بین مسلمانان جدایی بیافکنند و آنچه امروزه در عراق، یمن و سوریه روی می دهد، نتیجه این اختلافات است، اختلافاتی که فریب دشمنان به ویژه اسرائیل است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

سوریه محور دفاع از فلسطین، هویت و عزت اسلامی است

هجمه تبلیغاتی و رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران چنین نقشی نمی‌توانند ایفا کنند.

آیت‌الله اراکی، وحدت و عزت امت اسلامی را بسیار حائز اهمیت دانست و با یادآوری این نکته که ظلم است افراد خیال کنند جمهوری اسلامی برای افزودن نفوذ و منفعت خود از وحدت سخن می‌گوید، عنوان کرد: ایران دارای نظام اسلامی است و بر حسب تکلیف شرعی عمل می‌کند. ملت ما همچنان بهای ایستادن در کنار فلسطین و مظلومان را می‌پردازد.

وی همچنین مصحلت مسلمانان را در اتحاد دانست و خاطرنشان کرد: ما نمی‌گوییم یک حکومت اسلامی با یک حاکم در سراسر جهان برقرار شود اگر چه اعتقاد اساسی ما همان ولایت فقیه است، ولی این را دنبال نمی‌کنیم، بلکه معتقدیم هر کشور و ملتی حکومت خود را داشته باشد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بیان کرد: بنده در جلسه‌ای به سفیر عربستان پیشنهاد دادم نخست، عربستان باید پرچم وحدت را بلند کند. دوم، اگر می‌خواهد نفوذ و قدرتی در سوریه، یمن و.. داشته باشد باید سیاست‌های خود را تغییر داده و از سیاست رواج آشفنگی در این کشورها به سیاست آباد کردن آن‌ها روی بیاورید.

وی ادامه داد: حتی مردم عربستان نیز می‌بینند که اموالشان در کجا صرف می‌شود. مردم از حکومت خود عدل و حکمت می‌خواهند. در حالی که آل سعود به چه میزان مبالغ هنگفت برای بمباران یمن صرف کرده و به کشتار مردم می‌پردازد.

آیت‌الله اراکی تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران درباره آن‌چه که پیرامون وحدت می‌گوید صادق است و مصلحت تمام جهان اسلام نیز در وحدت است. اگر منابع و ثروت کشورهای اسلامی با هم متحد شود خواهیم دید که جهان اسلام در مباحث علمی و... چه پیشرفت‌های چشمگیری خواهد داشت.

آیت‌الله اراکی با تأکید بر این‌که انتظار داریم علمای اهل‌سنت قضایای این کشور را از جهت فقهی بررسی کرده و با علمای سایر کشورها به مناقشه بگذارند، خطاب به حضاران گفت: به نظر شما کدام موضع‌گیری به شرعیت اسلامی است؛ موضع ایران در قبال سوریه که از همان نخست همه گروه‌ها را بر نشستن بر سر میز مذاکره و گفت‌وگو برای رسیدن به راه‌حل مسالمت‌آمیز دعوت کرده و یا موضع عربستان که از گروه‌های تروریستی تندرو در سوریه حمایت همه جانبه دارد؟!

وی افزود: اگر حکومت سوریه از بین برود چه چیزی باقی می‌ماند؟ - پاسخ حضار: خرابی و ویرانی -و این یک موضع عقلانی است نه شرعی. چه اصراری بر تمزیق وحدت مردمی سوریه و نمایان کردن جنگ شیعه و سنی است؟

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: بنده از علمای اهل‌سنت سوریه درخواست جدی دارم که به سایر کشورها سفر کرده و واقعیت آن‌چه در سوریه می‌گذرد را برای مسلمانان تبیین کنند. در سفری که به پاکستان داشتم، رئیس علمای این کشور همانند شبکه‌های العربیه و الجزیره موضع‌گیری می‌کرد. از وی پرسیدم: شما این‌گونه موضع می‌گیرید آیا تاکنون با علمای خود سوریه نیز صحبت کرده‌اید؟ پاسخ داد: «خیر»

آیت الله اراکی، قضیه سوریه را قضیه دفاع از فلسطین، هویت و عزت اسلامی عنوان کرد و خاطرنشان کرد: مردم سوریه به سبب مقاومت خود این‌گونه آماج حملات هستند و عجیب است برخی گروه‌ها که خود را طرفدار قضیه فلسطین و دشمن اسرائیل می‌خوانند در کنار گروه‌های تکفیری ضد نظام سوریه هستند.

وی اضافه کرد: به عقیده بنده در میان گروه‌ها تکفیری نیز افرادی هستند که وجدان‌های پاکی داشته و می‌توان با آن‌ها صحبت کرد. این صحبت را باید علمای اهل سنت انجام دهند چون علمای ایران و شیعه به سبب

به گزارش تقریب ، آیت‌الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در دیدار جمعی از علمای اهل تسنن سوریه که در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار شد، ضمن خبر مقدم و خوش آمدگویی، برای کشور جنگ زده سوریه آرزوی امنیت، آرامش و خوشی کرد.

وی حوادث پیش آمده در سوریه را نیرنگ رژیم صهیونیستی و آمریکا دانست و تأکید کرد: سوریه در نوک پیکان مقاومت است به همین دلیل مورد هدف این کشورها قرار گرفته است. نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز در سخنان خود به این مطالب اعتراف کرد.

آیت الله اراکی با بیان این‌که باید نسبت به چنین حوادثی آگاه و هوشیار بود، ابزار کرد: بنده تعجب می‌کنم که برخی خود را عالم به دین می‌دانند ولی نمی‌دانند پشت این قضایا چه کسانی هستند! قضایا بسیار روشن بوده و مشخص است چه کسانی در سوریه جنگ به راه انداخته‌اند. متأسفانه برخی در این شرایط نیز حکومت سوریه را مقصر دانسته و علیه او موضع‌گیری می‌کنند. وی افزود: البته ما نمی‌گوییم حکومت سوریه هیچ‌اشکالی ندارد، ولی می‌گوییم این جنگ تنها به سبب مقاومت سوریه در برابر اسرائیل غاصب به این کشور تحمیل شده است. اکنون برخی از حکومت‌های اسلامی مانند قطر، ترکیه و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز گرفتار مشکلات بیشتری از جنس مشکلات کشور سوریه هستند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی اظهار داشت: حکومت ترکیه از نظر اسلامی بودن تمام اشکالات وارده بر حکومت سوریه و یا حتی بیشتر از آن را داراست، ولی چون دوست اسرائیل غاصب شده و سوریه در محور مقاومت است، مشکلات آن(ترکیه) به چشم نمی‌آید.

وی افزود: همچنین حکومت سوریه به سوی معارضان که به اصطلاح خود را اصلاح کننده می‌دانند دست دوستی و همفکری دراز کرد.

پیام سید حسن نصرالله به همایش بین المللی «همصدا با اقصی»:

وضعیت کنونی حاصل نبود اتحاد در امت اسلامی است

با این حرف در پی سرخوردگی و ملامت امت نیستیم. من در پی یافتن علت‌ها ، شیوه اصلاح و حل آن‌ها هستم. دبیر کل حزب الله با بیان اینکه این نبرد، نبرد امت اسلام است و ما همه باید در پی ادای مسئولیتهای خود در این نبرد باشیم تصریح کرد: تعامل امت با این قضیه، تعامل منفی بوده و هنوز هم هست. تعامل امت حتی قبل از این حوادثی که در منطقه در حال رخ دادن است منفی بود، بنابراین کسی نمی‌تواند بهانه کند و بگوید فتنه ای که منطقه را در حال حاضر در بر گرفته و امت اسلام و کشورهایی چون سوریه ، عراق، یمن، لیبی، افغانستان و پاکستان در حالت کنونی گرفتار آن هستند ، نبوده است. بلکه این ملت ها همواره درگیر این مشکلات بوده اند.

نصر الله در این پیام تصریح کرده است: امروزه بیشتر کشورهای عربی و اسلامی و حتی برخی از جنبش های مذهبی و اسلامی و جهان عرب می‌گویند که ما مسئولیتی در قبال مسجد الاقصی و بیت المقدس نداریم و این مسئولیت خود ملت فلسطین است. آن‌ها اعتقاد ندارند که وظیفه شرعی و واجب دینی نسبت به مسأله فلسطین دارند. وی با بیان اینکه شاید این مسأله یعنی دفاع از فلسطین برای من و شما از بدیهیات است، گفت: اما شاید برای دیگران این مسأله واضح نباشد و به صورت یک شبه در آمده باشد و رفع آن به تلاش های عرفی ، فرهنگی و حوزوی بزرگ نیازمند است.

سید حسن نصرالله با تاکید بر این که باید به ملت‌ها و کشورهای عربی و اسلامی بگوییم که اسرائیل خطرناک است، هدف‌ها و خواسته‌هایش برای دولت‌ها و ملت‌های اسلامی خطرناک است و مقابله با آن نیازمند تلاش‌های سیاسی، فرهنگی و رسانه‌یی است افزود: این مسوولیتی است که بر گردن علما، گروه‌های سیاسی و نخبگان و رسانه‌های عمومی است به طور مثال در لبنان برخی از لبنانی‌ها معتقدند دیگر اسرائیل هیچ تهدیدی برای لبنان

در پیام سید حسن نصرالله که شیخ علی دغموش نماینده ویژه دبیر کل حزب الله و مسوؤل روابط خارجی جنبش در همایش «همصدا با اقصی» قرائت کرد آمده است: تهدیدهای جاری رژیم صهیونیستی علیه مسجدالاقصی اینک امت اسلام را در برابر مسئولیتهای سنگین درخصوص ملت فلسطین و به ویژه بیت الاقصی قرار می‌دهد .

سید حسن نصرالله با اشاره به حمایت محافل بین‌المللی به ویژه آمریکا و غرب از رژیم صهیونیستی گفت: مسأله فلسطین به درگیری دوطرف محدود نیست و یا اینکه اسرائیل در برابر ملت فلسطین است و این نبرد یک نبرد اسرائیلی – فلسطینی است.

دبیر کل حزب الله در ادامه این پیام تاکید کرده است: این رژیم نماینده طرح های استکباری و استعماری است و در تمام منطقه، فرهنگ، تمدن ، ثروتها و امکانات جهان اسلام را هدف قرار داده است.اسرائیل پایه نظام پیشرفته و خط مقدم این رویارویی است و ملت فلسطین سالاهاست که به عنوان نماینده و در خط مقدم جبهه می‌جنگد و مقاومت، مبارزه و دفاع می‌کند.

سید حسن نصرالله در ادامه پیام خود آورده است: امروز طرف مقابل این نبرد، یعنی اسرائیل با اقتدار حضور دارد. دشمن اسرائیلی از همه حمایت‌های مادی ، اقتصادی ، نظامی، تکنولوژیک ، سیاسی و رسانه‌ای برخوردار است و حق مسلم خود می‌داند که از آن پشتیبانی شود چرا که اسرائیل حافظ منافع آن‌ها در منطقه است و دائم از آن‌ها تقاضای کمک نظامی کرده و از هرفرصتی برای کسب منافع خود استفاده می‌کند. در نتیجه اردوگاه استکبار جهانی برای نماینده اش در این نبرد چیزی کم نمی‌گدارد.

وی در پیامش در این باره می‌افزاید: اما جهان اسلام با نماینده خود که فلسطین باشد در این نبرد چگونه برخورد می‌کند؟ به صورت کلی نتیجه این سوال و ارزیابی منفی بوده و قادر به ارائه نتایج مثبتی نیستیم. من

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۱۴۳۷۷۴۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشر به بهشت

از سال ۱۳۸۲ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

اعتیاد نشر

محمود آموزگار رییس اتحادیه ناشران

اعتماد: دسترسی مردم به کتاب، یکی از مهم‌ترین

نکات فروش و بالا رفتن سرانه مطالعه است. اما

متأسفانه در کشور ما، این دسترسی آسان و راحت

نیست.

کتابفروشی‌ها در پایتخت در مناطق خاصی

پراکنده‌اند و در شهرهای دیگر هم میزان دسترسی

بسیار پایین است و سخت. همین عامل باعث می‌شود

تا کتاب از زندگی مردم حذف شود.

ما از مشکل سیستم توزیع کتاب رنج می‌بریم و با

توجه به جمعیتی که داریم در این بخش دچار ضعف

مفرط هستیم. همین است که از علاقه‌مندی مردم به

کتاب و کتاب‌خوانی کاسته شده؛ قیمت بالای کتاب و

عدم دسترسی راحت، دو عامل مهم در کاهش سرانه

مطالعه و بی‌توجهی به کتاب است.

مردم به اتفاقی علاقه نشان می‌دهند و پیگیری‌اش

می‌کنند که هم از نظر اقتصادی برای آنها صرفه داشته

باشد و هم شرایط توزیع در بازار به میزانی باشد که به

راحتی به آن دسترسی پیدا کنند.

وقتی این دو عامل حذف می‌شود، مردم هم

فراوان می‌کنند و درگیر اتفاق‌های مهم‌تر زندگی خود

می‌شوند. مدیریت حوزه کتاب باید به این نکته بیشتر از

پارانه‌هایی که در اختیار ناشران قرار می‌دهد، توجه کند.

ناشران ما به حمایت‌های دولتی اعتیاد پیدا کرده‌اند

و با کمک دولت روی پای خود ایستاده‌اند. برای همین

است که نه مشکلات بازار توزیع به چشم‌شان می‌آید و

نه نحوه دسترسی مردم به کتاب‌ها.

مدیریت فرهنگی باید به سمتی حرکت کند که

اعتیاد را درمان کند. بازار توزیع باید مدیریت شود؛

کتابفروشی‌ها و سیستم دسترسی مردم به کتاب

باید تغییر کند و به شکلی باشد که مردم به دیدن

کتابفروشی‌ها و خرید کتاب عادت کنند.

اعتیاد به دولت وابستگی ایجاد کرده و باعث شده

تا مردم هم تبعات این وابستگی را در زندگی خود

احساس کنند. وقتی قیمت روز به بالاتر می‌رود و

به جز محدوده‌های خاص، دسترسی هم وجود ندارد،

انگیزه و علاقه‌مندی هم کاهش پیدا می‌کند.

در چنین شرایطی تنها راه‌حل قطع وابستگی،

مدیریت بازار مناسب و در دسترس است. اگر چنین

شود، مشکلات آرام‌آرام ترمیم می‌شوند، ناشران برای

کسب و کار خود به ایده‌های جلب مخاطب روی

می‌آورند و در نهایت مردم با دسترسی سهل و آسان به

کتاب و کتاب‌خوانی علاقه‌مند می‌شوند.

کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی

نشانی: پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای

بلوار سلمان فارسی، خیابان شهید

مخلص، خیابان دوم

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۸۰۷۵۵۶

تجلیل از نماینده حضرت آیت الله سیستانی به عنوان چهره برتر مهدی یاور

به مهدی یاوران یک سکه تمام بهار آزادی هدیه داد و همچنین هدیه‌ای توسط موسسه مالی و اعتباری کوثر به مهدی یاوران اعطا شد.

در بخش بعدی برنامه نیز از چهار اثر مهدوی رونمایی شد. کتاب موسوعه الامام المنتظر نوشته سید محمد حسین میرباقری، طرح اندیشه مهدویت در کلام معصومان نوشته امیر غنوی، مهدویت و رهیافت تمدنی برترین مقالات یازدهمین همایش دکترین مهدویت و فصل نامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی آثاری بودند که در این همایش رونمایی شدند.



صنعتی ایران از دیگر سخنرانان این مراسم بود از ارتباط ۳۰ ساله اش با گلشنی اشاره کرد وافزود: گلشنی خود را به یک رشته خاص محدود نکرد و فعالیت های زیادی در خارج از حیطه تحصیل خود انجام داد. این استاد بزرگوار فردی آگاه و حساس نسبت به درد جامعه است. آیت الله سید عباس قائم مقامی نماینده سابق مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران نیز در خصوص مقام مهدی گلشنی گفت: کتاب های ایشان بخصوص در حوزه اسلام دارای یک خط ممتد و متدیک است. به همین دلیل من از ایشان عنوان سرآمد علم ورزان و یک فرد متواضع یاد می کنم.

در ادامه جلسه احمد کتابی استاد بازنشسته، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که از هم دوره ای های گلشنی بوده به بیان خاطراتی از دوران مدرسه پرداخت و گفت: گلشنی دانش آموز نخبه ریاضی و از برگزیدگان ادبیات بود. تواضع راستین، انسان دوستی و فضیلت گرایی از جمله فضائل اخلاقی این استاد بزرگوار است.

حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان آخرین سخنران، در ابتدا به آشنایی خود با مهدی گلشنی از سال ۱۳۷۵ اشاره کرد و سپس گفت: گلشنی از سرمایه های بی نظیر جامعه است و وضع نسبتا مطلوب علوم انسانی امروز مدیون ایشان است.

وی افزود: گلشنی نقش موثر و منحصر بفردی در کاهش فاصله بین علم انسانی و با دانش های جهانی داشت. مؤسس بودن، بروز بودن، برخورداری از نگاه ژرف و انتقاد پذیر بودن از جمله ویژگی های ایشان است.

نماینده حضرت آیت الله سیستانی، آیت الله حسینی قزوینی، رهبر شیعیان نجریه، خانواده اولین شهید مدافع حرم، درباردار پاسدار فدوی، حجت الاسلام ربانی، مهندس موسوی خیر و کارآفرین مهدوی، پژوهشگران مهدوی حجت الاسلام میرباقری، غنوی، دکتر شقیر، دکتر سید علی هاشمی حجت الاسلام فوادیان، دکتر برزویی، نماینده مرکز تخصصی مهدویت، جهادگر علمی مهدوی دکتر میرمحمدی از جمله مهدی یاوران بودند که در این مراسم تقدیر شدند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز در این مراسم

آیت الله محمدعلی تسخیری: گلشنی مرد علم و دین است

در ادامه جلسه آیت الله محمد علی تسخیری، مشاورعالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام از گلشنی به عنوان مرد علم و دین یاد کرد و گفت: دکتر گلشنی تحصیلات حوزوی در زمینه‌های منطق و حکمت الهی را در حوزه علمیه اصفهان پشت سر گذاشت، ایشان نویسنده ده‌ها مقاله در زمینه‌های فلسفه علوم و ارتباط بین علوم و دین است. همچنین تألیف و ترجمه چندین کتاب از جمله ترجمه کتاب «عدالت، امنیت و وحدت» است.

وی عنوان کرد: راه‌اندازی مجله وزین علمی آفاق حوائج اسلامی از دیگر خدمات دکتر گلشنی است که مجله‌ای نو در زمینه تحقیقات علوم انسانی به شمار می‌رود. ایشان سخنرانی قوی در محافل علمی و اجلاس‌های بزرگ جهان خصوصا دانشگاه‌های معروف است که بنده بارها شاهد استقبال عظیم دانشمندان از چنین سخنرانی بوده‌ام. آیت‌الله تسخیری به دیگر خدمات مهدی گلشنی اشاره کرد و گفت: راه‌اندازی مرکز علمی از جمله مرکز تحقیقات امام علی(ع)، برگزاری کنگره بزرگ امام علی(ع) و خاتم از توفیقات دکتر گلشنی است که شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام در این کنگره شرکت کردند و بنده که در آن ایام در خارج از کشور بودم، برای شرکت در این اجلاس به ایران آمدم.

وی تصریح کرد: امروز کتاب‌های شخصیت‌های بزرگ مانند شهید مطهری و شهید صدر به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و در کتابخانه‌های بزرگ دنیا وجود دارد. بنده بیش از ۸۰۰ اجلاس بین‌المللی از طرف ایران شرکت کرده‌ام که طرح عظیم دکتر گلشنی در این اجلاس‌ها توانسته پاسخگوی نیازهای جهان اسلام باشد. ایشان طراح تغییرات اسلامی علمی در کل جهان بود. رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: دکتر گلشنی واقعا این هنر را داشت که با ذهن ریاضی و علمی خود این طرح را طراحی کند و من افتخار دارم در کنار ایشان فعالیت می‌کنم. فتح الله مضطر زاده، رئیس پژوهش‌های علمی و

دوازدهمین همایش دکترین مهدویت با حضور حضرت آیت الله مکارم شیرازی، فرمانده سابق ناجا، فرمانده نیروی دریایی سپاه، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور، رئیس مجمع نمایندگان طلاب و با حضور مهمانان از ۴۵ کشور در مدرسه عالی امام کاظم(ع) برگزار شد.

در این همایش حضرت آیت الله مکارم شیرازی به ایراد سخن پرداخت و پس از آن از ۱۵ مهدی یاور تقدیر و لوح مهدوی به آن‌ها اعطا شد.

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی

مراسم تجلیل و بزرگداشت مهدی گلشنی، مؤسس فلسفه علم در ایران و چهره ماندگار عرصه فیزیک (۲۷ اردیبهشت ماه) در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر مهدی محقق، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: ما باید از این روش گذشته که تا زمانی کسی زنده بود مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت و وقتی از دنیا می‌رفت می‌گفتیم چه گوهر گرانبهائی را از دست دادیم دوری کنیم و تا زمانی که چهره‌های ماندگار زنده هستند از آنها تجلیل کنیم.

وی با اشاره به اینکه این مراسم صدو پنجاه یکمین بزرگداشت این انجمن است که به مهدی گلشنی اختصاص دارد افزود: گلشنی از چهره‌های ارزشمند این علمی مملکت است او تسلط بر فلسفه و حکمت دارد در عین اینکه در رشته فیزیک در دانشگاه برکلی آمریکا نیز تحصیل کرده است. می‌توان از دکتر گلشنی به عنوان یک استاد تمام یاد کرد. رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اضافه کرد: فرهنگ اسلامی دروازه‌های علم را بر روی ما باز کرده به جهت اینکه در گذشته و قبل از اسلام ما امتیاز استفاده و ترجمه ی کتابهای به زبان های عبری های یونانی، سریانی، سانسکریت نداشتیم. خواسته من از جوانان این است که به دور از تعصب و تنگ نظری از چنین استادهایی الگو بگیرند. همچنین به بزرگان علم پیشنهاد می‌دهم با باز کردن باب بحث و گفتگو به دور از خود محوری موجب رشد علم شوند.

سیاوش شهشهانی از چهره‌های ریاضی دانشگاه شریف، سخنران بعدی این مراسم با اشاره به آشنایی ۵۵ ساله خود با گلشنی به خاطراتی از دوران تحصیل در دانشگاه برکلی پرداخت و گفت: گلشنی در بین دانشجویان ایرانی و محصل های علوم پایه، که اکثر آنها بورسیه بودند، یک استثناء بود و تلاش بی حد برای یادگیری می‌کرد. وی افزود: متأسفانه بعد از انقلاب حسادت ها نسبت به دکتر گلشنی آغاز شد تا جایی که سواد و معلومات استاد مورد حمله قرار گرفت و متهم به علامه گرایی شد.

کتاب «خداباوری و دانشمندان معاصر غربی» تأکید بر این مطلب دارد که در خود غرب نیز برخی فیلسوفان و عالمان خداباور برجسته وجود داشته که همیشه با خرافات و شبهات و بدآموزی‌ها به مقابله پرداخته و سست بنیان بودن آنها را نشان داده اند.

در بخشی از کتاب از زبان اینشتین آمده است: اینشتین می‌گفت: ما در وضعیت یک طفل خردسال هستیم که وارد یک کتابخانه بزرگ می‌شود که تمامی دیوارهای آن از زمین تا سقف با کتاب‌هایی که به زبان های مختلف نوشته شده اند، پوشیده است. کودک می‌داند که باید کسانی آن کتاب‌ها را نوشته باشند، اما نمی‌داند که چه کسانی یا چگونه آن‌ها را نوشته اند، و نیز زبان‌هایی را که در نوشتن آن کتاب‌ها به کار رفته اند نمی‌فهمد. کودک یک طرح مشخص در ترتیب کتاب‌ها می‌بیند، یک نظم اسرار آمیز، که آن را درک نمی‌کند، ولی به طور مبهم حدس می‌زند. این به نظر من وضعیت عقل انسانی به خداست.

«خداباوری و دانشمندان معاصر غربی» از سه فصل، به شرح زیر تشکیل شده است.

فصل اول: خداباوری از منظر دانشمندان معاصر غربی

کتاب «خداباوری و دانشمندان معاصر غربی» اثر جدید دکتر گلشنی منتشر شد

۳. در فصل سوم، اسلوب جدید برهان نظم

بر وجود خداوند را که در چند دهه اخیر مطرح شده، آورده ایم و شبهات مخالفان ادیان الهی درخصوص این استدلال و راه‌های گریز آنها از آن را مطرح کرده و پاسخ عالمان و فیلسوفان خداباور غربی به این شبهات را ذکر کرده ایم.

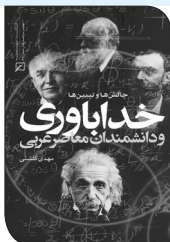
متأسفانه در دو دهه اخیر شبهات چند نفر

از عالمان غربی در مورد اعتقاد به خالق جهان به شدت در میهن اسلامی ما مطرح شده است و این درحالی است که حتی پاسخ‌هایی که در خود غرب به این شبهات داده شده نیز ترجمه نشده است.

«خداباوری و دانشمندان معاصر غربی» جدیدترین اثر استاد دکتر گلشنی است که توسط انتشارات کانون اندیشه جوان منتشر شده است.

گفتنی است کتاب «خداباوری و دانشمندان معاصر غربی» اثر دکتر مهدی گلشنی، با قیمت ۱۰۰۰۰ تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

علاقتمندان جهت کسب اطلاعات تکمیلی و تهیه کتاب می‌توانند به نشانی www.poiict.ir مراجعه کنند.



فصل دوم: علم جدید و بعضی چالش‌ها در برابر ادیان توحیدی
فصل سوم: اسلوب جدید برهان نظم
دکتر گلشنی در بخشی از پیشگفتار کتاب، و در تبیین فصول مختلف این کتاب چنین می‌نویسد:

در این رساله ما سه مطلب زیر را در سه فصل مطرح کرده ایم:

۱. در فصل اول به نظرات مختلف درباره رابطه علم و دین در جهان غرب و نگرش عالمان معاصر غربی به خداباوری پرداخته ایم. این فصل قبلاً به نحو خلاصه‌تر در کتاب فیزیک دانان غربی و مسئله خداباوری، آمده و در اینجا توسعه داده شده است.

۲. در فصل دوم، شبهات مطرح شده از طرف ملحدان و عالمان دین ستیز را مطرح کرده و عمدتاً پاسخ‌های داده شده به آنها در غرب را مطرح کرده ایم. بخشی از این فصل قبلاً به نحو مختصرتر در مقاله (استاد مطهری و نقش بنیادی فلسفه در ربط علم به دین)) چاپ شده بود و اکنون بسط داده شده و موضوعات جدیدی در آن مطرح شده است.